

به مریضخانه آستارای روس بردند و در ساعت ۱۰ و نیم یک نفر مرده آوردند معلوم شد که فرشیل قشون بوده او را هم کشته اند و در ساعت چهار و نیم کلیه قشون به آستارا برگشت و بعد معلوم شد که صاحب منصب قزاقها هم تیر خورده ولی بی ضرر بوده.

از قراریکه میگویند چهار نفر هم از کالشن ها را روسها کشته اند و وقت برگشتن قزاقها از میناب قریه ورمونی عده از قزاقها بسرخانه حاجی طهراب نام که اهل همان قریه است هجوم کشیده در میان خانه خیلی از زن و بچه همسایگان جمع بوده اند، بچه اره مشهدی محسن نام را و مشهدی آقا حسین نام و مختار نام را با یک زن و با یک بچه قزاقها با شوشکه و موزر مجروح نموده و جای سلامت نگذاشته اند بعضی مرده و بعضی هم مشرف به موت است و چند نفر را آورده اند با آستارا بلکه معالج بشود

و در شب دوشنبه هم بقدر یکصد و سی نفر سادات و بقدر یکصد نفر قزاق نصف شب طرف قریه ورمونی رفتند و نزدیک صبح خیلی صدای کلوله با آستارا می آمد، از قراریکه خبر رسیده تمام روسها به نزدیک سنگر رفته دیده اند حصرات کاشها در آت ها ما نیستند و وقت برگشتن به خیلی جاهای معتبر آتش میزدند، تماما سوخته و حالا در میان برف بچاره های دهائی زن بچه شان مانده است، حدایا این بچاره ها چه گنجه دارند در این سرمای زمستان در طوی جنکل سرگردان مانده اند، فریاد از ظلم و بی حسابی روسها و از قراریکه خبر رسیده به آستارای روس تا چنانکه انگران هم با عده سادات وارد شده است و اراجیب صحبت مینمایند در دعوای اولی دوشنبه از قزاقها با اسب و غیره کم شده اند تا حال خبر نشده است نمیدانم صحت دارد یا نه وقت برگشتن قزاقها از قریه بسرکریم نام آستارائی را با شوشکه پاره پاره نموده اند و الساعة خبر رسید کاروان سراهارا حالی مینمایند که شب و پس فونسول اردبیل با عده قازاق و سادات وارد آستارا خواهند شد بعد از ورود او نمی دانیم چه کارها فرام خواهند آورد از آن هائیکه از اهل قریه متواری شده اند خبر

صحیح نداریم که در جنکل از مردها مردمان پیدا کرده اند معلوم است که تلف خواهند شد از ۱۲ نفر با مینویسند

بعد از برگشتن قزاقها از قریه ورمونی حالا از آستارا آدم فرستاده اند بقریه ورمونی دیده اند خهارا روسها آتش زده بعد شوشکه مارا قزاقها کشیده اهل قریه از زن و بچه و از مرد گرفته اغلب را مجروح نموده اند، حالا ساعت پنج و نیم است دو کرجی مرد وزن که تماما زخداره هستند آورده اند به آستارا و باز کرجی فرستاده اند که مرده ها را بیاورند و اهالی آستارا خیلی در وحشت هستند، برای بچاره ها جای سالم نگذاشته اند نصف شب هر کس را دیده در قریه زدند، وضع ساعت به ساعت بدتر میشود چه باید کرد، بعضی مارا با شوشکه زده اند بچاره ها از حول جان خود فرار میکنند کرده اند و در جنکل مرده اند علاجی لازم است

✦ نقل از روزنامه شریفه حکمت ✦

( صادرات و واردات تجارت خارجیة ایران )  
تجارت خارجیة ایران را سفارت بلجیکا در طهران که از احصاء رسمی گمرکهای ایران گرفته و بوزارت خارجیة (بلژ) تقدیم نموده است اینکه ترجمه کرده بطالعین (حکمت) تقدیم نمودیم  
تجارت خارجیة ایران در سال گذشته از جشن نوروز ۲۱ ماه مارس سال ۱۹۰۹ تا ۲۰ ماه مارس سال (۱۹۱۰) بمبلغ ۸۱۳ میلیون و ۹۵۴ هزار و ۷۰۵ قران بوده است، در سال متداخل در ۱۹۰۸ و ۱۹۰۹ - ۶۹۸ میلیون و ۶۹۱ هزار و ۷۲ قران بوده یعنی ۴۹ ۱۶ درصد  
این مبلغ بدو قسم منقسم میشود، اول واردات است که آن بمبلغ ۴۴۲ میلیون و ۴۲۸ هزار و ۱۱۶ قران است - و قسم دوم صادرات است که آن بمبلغ ۳۷۱ میلیون و ۵۲۶ هزار و ۱۸۹ قران است، تطبیق این مبالغ بحساب فرانک ۲۰۱ میلیون و ۹۰۶ هزار و ۶۷۸ فرانک - واردات، و ۱۶۹ میلیون و ۵۴۹ هزار و ۶۹۱ فرانک صادرات بوده که مجموع این دو قسم ۳۷۱ میلیون و ۵۵۲ هزار و ۶۳۹ فرانک است.

از مقارنه ارقام اساله بطرقم پارسیاله معلوم میشود که شدت وازمه جالبه که بطریق ایران

استیلا داشت امروز کارش با انجام رسیده است .  
اما اهم واردات بافته های پنبه گوناگون و  
قند و تلا و سیم شش و جای و بولهای سکه دار  
زری و سیمی پنبه و بافته های پشمی و ادوات  
آهنی و فاز « پترول » و برنج و ادوات خرازی  
مختلفه الاجناس و آرد و چوب گوگردی و پوست  
خام و کرم قز و میوه های خشک و تر و ادویه  
و حیوانات زنده و رخت الخ

این اصناف در مرحله اول از ممالک روسیا و  
انگلتره و بعد ترکیا پس المایا پس بلجیکا است  
( واردات بلز پارسال کم بود ) پس ایتالیا بوده  
که تجارت آن از پیش کی پیش است. اهم صادرات  
ایران بخارج آن پنبه و میوه ها و غالبای پشمی  
و بولهای سکه دار سیم و زری و برنج و ماهیا و  
ترباک و عوزه های اریزم و صمغ و پوست خام  
و پشم خام و حیوانات زنده و پوستهای مدوع  
( دباغی شده ) و جو و شونان ( و توتون برگ  
تباکو را آقای سنیر گوبا قراوش عوده ) و مواد  
قرابادی ( ادویه طویه ) و جواهرات ، حنا و  
لوکسید آهن و دار و تبر نخت: عمارات الخ

چیز که در اسال مستوجب ملاحظه است آن  
تکثیرت اسدار ببه است و این گواه بر اعتنا ،  
زیاد بدشتن آنست ، هر آنکه در این احصایه به  
امعان نکند واردات را از صادرات متنبه و  
خواهد گفت هنوز این کشور با به بله ترقی نه  
نهاده است . اما اگر کمی تدبر درکار نماید خواهد  
دانست که این اضطرابات و آشوبکاریهای اخیر  
چه مقدار ایرانیان را از زراعت و صناعت باز  
داشته و امیدواری تمام است که سال بسال پس از  
این با ضفاف مضاعف ایران در هر چیز ترقی و  
تقدیم یابد

وقایع تنگار بیطرفی از بوشهر می نویسد  
دوبایگی همیشه رخسار مروت را خراشیده و  
سرچشمه کفایت و سداقترا بخاک بدعهدی و بی امانی  
و خود غرضی انباشته ، نه خدمت و مصاحبت  
نزدیکتان حرمی و نه سابقه م عهدی و رابطه  
ملازمت در حضورشان قدر و قیمت فرد مواحدت و  
مؤالفت با شیخ حسین خان چاکوتاهی باخته و از غیر  
او دل پریده میداشت. هیچ قسمی ملاحظه او

برنمیداشت با زابر خضر خان تنگستانی بصوابدید او  
ملازمت و ملامطت می نمود تا احدخان انکالی بملاحظه  
او بی رغبتی میفرمود هر چه بود مهر خیالات و دوستی  
شیخ حسین خان بود تا گامیکه واقعه قتل شیخ علی  
برادر شیخ حسین خان بدست شیخ حسین خان اتفاق  
افتاد چون شیخ علی مقتول حلیف زابر خضر خان و  
احمدخان انکالی بود و بسبب مساعدتی که از سردار  
عشار میدید وهم میداشت که شیخ حسین بواسطه  
تبدیل شدن راه قافله شاهی از احمدی به تنگستان  
کوشان است که آب رفته را بجوآرد ( لا حیران  
علی ) دست بدست احمد خان انکالی داده کر در  
ادمار شیخ حسین خان محکم بستند. این بود که قبل از  
رسیدن ایالت فارس - و شهر نام دریا کی احمد خان  
و زابر خضر خان و شیخ محمد مقتول صابط جدید  
چاه کوتا. بوشهر جمع شده و عقد محبت را بیاد نمودن  
سوگند مودت محکم نمودند. شیخ حسین خان چون  
قضیه را اینطور دید حودر دستگیر ایالت چسباید  
خدمات مالی و جای را کبابیق ارزداد در ضمن خانه  
زابر خضر خان را که در تنگستان بود محروق و ویران  
نمود. از آنجا که طبیعت عالم صفت مکذبات را متکفل  
و طینت روزگار خاصیت تجارت را متضمن است  
بمصدق هر سکه در چمن اعمال هال بیداد نشاند  
نمر تقویت و عذاب بردارد بحردیضه ایات  
برای شبراز حرکت کردید بکارروان رسیده زابر  
خضر خان که از ایات فراری و در پیغوها متواری  
بود بقر محروق خود عود نمود. و در سدد تعبیر  
اینه مخروبه خود برآمد باین افتاع کرده محرك احمد  
خان انکالی و شیخ محمد صابط جدید چاه کوتا  
گردید که در ایالت که شیخ حسین شامل اردوی  
حکومت عشق و دشمنان در امرم متوهم است  
و طایای احمدی و تو برما دیده شاید آهرام ماندر طای  
چاه کوتا بیدار شده شیخ را از ایجا هم بفرارد  
بهین نقشه صابط جدید چاه کوتا. جامعیکه باید با خود  
بباید دیده و از آنها تحصیل اطمینان نموده شد  
هنگام احمد خان از طرف خود صابط جدید از  
جانب خود زابر خضر هم طزنی حمله با احمدی رده  
که شبخون کرده احمدی را متصرف شوند مستحفظ  
قلعه شیخ حسین لدی البورش رفته اجین شایب کرده  
در نفر سر کرده شان یکی شیخ محمد صابط جدید و

دیگری حسین خان ولد مرحوم محمد خان مقتول کی دو نفر دیگر هم مجروح و مضروب میشوند تا حیرت را بقی میباشند و در هاشب متهاجین سنگرها سته عازم میشود از یا نشینند تا تیغ را دستگیر اندیز نمایند و برای پیشرفت خود از حکومت نادر استمداد میکنند ، حکومت هم چون ملتزم بود يك عراده توپ و فور حاه آن و بیج صندوق فشك تنگ موزر و يك سر تویچی حاجی خان اطریشی بجایک زایر خضر خان واحد خان از راه دریا فرستاد و خوابین حبات داؤدی را امر همراهی آنها نمود. چند روزی شیخ حسین خان در احمدی محاصره و عرصه را بر او تنگ نمود. حاجی امیر المملک حاکم دشتی و دشتستان عدد و استعانت شیخ حسین خان از امرم حرکت با عده قالی از سوار ترك و تاحیک و بیاده از امرم حرکت داده وارد جاه کوتاه گردید. چون زایر خضر خان بجای شاطم مقتول در جاه کوتاه بود بدو آنگ حنگ را در آنها شروع نمود. از قرار اینکه در روز ایالت تلگرافاً حکومت دشتی و دشتستان محاصره نموده مجدداً باید تدبیر و تحریب احمد خان و زایر خضر خان بشود و همجه حکم شده که بعد از محلیه جاه کوتاه را شیخ حسین سپرده سپس رای تنبه احمد خان ادکالی تا کالی روند تلگرافات مؤکد دیگر ارایات که همه نانی از جماعت شیخ حسین خان بود میرساند که اردوی شد انکاره و راز خان و دشتی بدریعه تلگراف برای تنبیه احمد خان و زایر خضر خان و سایر متمردین باید با سرعت وسیله حرکت کنند، طر نظام با يك فوج سواره و بیاده و يك عراده توپ بازدم شهر جاری از کازرون حرکت کرده دیروز شامل اردوی رازجان و شبانکاره در رازحان شده ایالت دیروز بمسعود المملک تلگرافاً این مضمون گفته بود که اگر حاجی خان اطیشی و توپ او که با امر دریایی سرکوبی شیخ حسین خان رفته همین امروز اردوی حاجی امیر المملک ملحق نشود مجازات سعت خواهی دید و دیگر از واقعات اتفاقیه راج لفظی حضوری حکومت نادر با کارگذار نادر است سه یوم قبل مکتوبی از حکومت دشتی و دشتستان بسوان حکومت بنادر مشعر باینکه شاهمراهی بازایر خضر دارید رسید. حکومت بنادر برای تبرئه ذمه

خود جماعتی از رؤسای ادارات را جمع نموده میخواست تصدیق بی گناهی خود را بوسیله این آقایان بایالت اظهار نماید. کارگذار میگوید شما خوب نگرید که همراهی خود را بواسطه فرستادن توپ واحدی بزایر خضر و احمد خان انکالی آفتاب و طاهر نمودید. حکومت نادر چون اختیار زبان خود را ندارد بی ملاحظه فحاشی و بد زبان بسیار بکارگذار میکند. کارگذار از مجلس بدون معارضه بمنزل بر میخیزد دیروز شبندم حکومت برای تدارک معذرت بمنزل کارگذار رفته است

چندی قبل ملا عبدالله واعظ از بوشهر روانه شد و در مهران چند روز مانده حرکت بلنگه نمود. یورود لنگه انتظار نظام نائب الحکومه بمحکم دریایی او را احصار و توقیف نمود. بعد از دو سه روز او را گرسنه بدون آذوقه به کشتن فرستاد. از آنجا به بند عباس وارد شد. مصباح دیوان هم بحسب ماموریت و حکمی که داشت به فرانس ها قدغن کرده بود که در گمرک حاضر باشند هر وقت آقا ملا عبدالله و وارد شود او را بدار الحکومه حاضر و حبس نماید. چون مشارالیه وقت ظهر که وقت نوبت کشیدن فراشها بود وارد شده احتیاط هم داشت گمرک بیامده مستقیماً از راه دیگر بخانه آقا شیخ منظم روانه گردید. فراشها ملتفت شده تعاقب نمودند. وقتی رسیدند که جناب معزی الیه بخانه آقا شیخ منظم رسیده بود و در همانجا متحصن گردید. مصباح دیوان حکم دریایی را ارائه داد و خود را پری الذمه ساخت

### بندر عباس

شهر و توابع فعلاً امنیت دارد چندی است از خاک حدود عباسی سرفتی نشده نائب الحکومه مواظب میباشند. تفنگچی در توابع در محل مخصوص برقرار داشته. میناب کذاک تفنگچی برقرار و امنیت حاصل. خود شهر بندر باس بواسطه تهدید حسین شیر معروف استمداد باندازه امکان حاصل است. مصباح دیوان نائب الحکومه در نظم و امنیت ابواب جمعی خود مراقبت داشته و دارد و هر خدمت گذاری مساعه ندارد چنانچه تمام حکام و ولات و نائب الحکومه ها این قسم مراقب بودند کان نمی کردم بی نظمی و ناامنی هوا بران روی صفا

از فقره حسین شریف تجار لاری اظهار به لار نمودند و تجار مقیم لار کینیت را خدمت جناب سید عبدالحسین عرض نمودند اظهار بزاری و تنفر از حسین نموده اند. اما چه فایده که آنچه خبر خواهان در عالم وطن خواهی بنویسند و فریاد کنند بگوش کمی فرو نخواهد رفت  
( لار )

بموجب خطوط وارده هنوز حکومت ندارد، آقای سردار عشایر در احتیاج خود قریب بخاک لار می باشد، چون در روزنامه مطبوعی اظهار حکومت ایشان بلارستان شده بود امالی عریض منظرانه متعدد عرض و استدعا می نمودند و امنیت نمودند ولی جوانی به ایشان رسیدند. و چون رسماً حکومت ندارد شایسته مردم را ساجکت نموده و ابله امنیتی بوده، اما بین ایل عرب و سایرین ظاهراً مار و دو سه فقره مال و سخاوت عرب که از لار حرکت نموده اند جهت احتیاج خودشان بضارت رفته و ۶ نفر آن ها را مقبول نمودند

حاجی علی قلیخان، حرانی و شکوه نظام برادرش که مدتی بود در شیراز محبوس نزد ناصرالدوله بودند فراری و خود را به آقای سردار عشایر رسانیده اند تا چه قسم با ایشان همراهی شود، اما اگر مجدداً حکومت لارستان بدست آنها بیاید آنگاه خواهند فروخت که کسی یاد نداشته باشد  
بموجب دستخط آقای نظام الساعته که از کادرون در جواب عریضه تجار اوزی مرقوم فرموده امیدواری نامه داده بودند که عن قریب حاکم مکی با استمداد صحیح روانه لارستان خواهم نمود  
( بلوچستان )

بموجب خطوط وارده از جاشک و کسایکه آمده اند مأمورین مساعیه بومیه نفوذ خود را در آن حدود زیاد نموده و استمدادشان مزید می شود، امیر برکت خان بهادر السلطان که همراهی با خیال آن ها ندارد بدینست در سدد می باشند یا او را بدست بیاورند و یا مطیع خود نمایند و نتوانسته اند، این ایام باز خواهن ملاقات نموده اند و امیر برکت خان الی، فرسنگی جاشک آمده قرار بوده قونسل مسقط برود و او را ملاقات نماید تا چه قسم پیش آید

این ایام ملاحظه بلبیک خودشان آمدن افغان به بلوچستان شایع شده و استمداد خود را زیاد مینمایند. امراء بلوچستان نیز موجب خوار می باشند از جمله بموجب اخبار وارد شده از جاشک خواهش از امیر اسلان خان نموده اند که جلوگیری از افغان نماید و موجب بدعهد مشارالیه اظهار داشته اسلحه لازم ندانم اجازه آوردن يك صد قبضه تفنگ پنج تیره آلمان با (۴۰۰۰۰) تفنگ بمشارالیه دادند که از مسقط وارد نماید و آدم خور در جهت آوردن تفنگ روانه نموده است.

اگر اوایای امور ایران ایگونه بی خیالی و بی مبالائی درباره بلوچستان و خلیج فارس نمایند، دری نخواهد گذشت که بلوچستان بلکه بادر و جزایر خلیج فارس جزو مستملکت مساعیه خواهد شد، هرچه فریاد بزم بجائی میرسد خداوند چشم بنا و گوش شنوا با اوایای امور عطا فرماید  
﴿ بِسْمِ اللّٰهِ ﴾

در فقره تهید حسین شریف چوٹ ملاحظه نمود که نایب الحکومه استمداد دارد مشغول کشیک و پاسداری است و در بعضی طرق محل عبور بزرگنجی مستحفظ حاضر است تاکنون توکل آمدن به بدر عباس مسکوره فعلاً شهر و توابع امنیت و آرام است و در جمعی عباسی بروز اغتشاش و دزدی تازه نشده است، نایب الحکومه نیز بحوبی مواظب می باشد، چون موجب ۳۰۰ نفر تفنگچی مستحفظ از طهران حواله نمودند گمرک خانه می بردارد ظاهراً اداره گمرک رسانیده بودند نایب الحکومه تفنگچی ندارد سه یوم قبل مدیر گمرک خواهنشان تفنگچی نمود و تمام تفنگچی باسر کرده ها حاضر شده عدد تفنگچی حاضر در بدر عباس ۲۷۰ نفر تجاوز آمد، و علاوه ۱۰۰ نفر تفنگچی مستحفظ میناب می باشد، و ۱۳۰ نفر نیز باعاق امیر احمد خاٹ کلانتر در توابع مشغول مستحفظی و بستن طرق می باشند که فعلاً قریب ۵۰۰ نفر تفنگچی در عباسی و میناب و توابع تحت سلاح می باشند سوای امالی عباسی که اغلب شان به بعضی ملاحظات شب ها سلاح از خود دور مینمایند نایب الحکومه در حال مسافرت خواهی نیز اقدام دارد و در توسعه مزارع وطن با اندازه





حدنك ره آكهن ماشاد اسلام

تلكراف مخبر روتر كه عوحد دهن شعاعت  
جاده لابد ملاحظه شده است

« شديخ الاسلام اسلامبول فتو داده سكه  
خزائن كرملا و محبرا صرف مدارس و تيارخانها  
نمايند، دولت ايران توسط ژارژد فر خود در اسلامبول  
بروتست به مابصالي نموده و همچو معلوم مي شود  
دولت روس و انگليس هم درين موضوع مؤيد  
دولت ايران خواهند بوده اگرچه نتيجه ان حقيقت  
واقع را از اين تلكراف روتر استنباط نمود چه  
هياهموي اتحاد اسلام از چندي مان صرف عوالم  
مسيحيت را مشوش داشته حصه دول روس و  
انگليس و فرانس را بش از همه بچاللات دور و  
دراز انداخته است، و افغان و روس بايد كه ر  
سيصد و بچاه ديون مسلمان كه سيصد و نيمون آن  
تحت رقيت دول مسيحيه حصه روس و انگليس و  
فرانس مي باشند و بش از اين نتيجه مسيحيان رفته  
مگر از شائت اختلاف مسلمان و مسيحيان حادي  
آمان، مسلماً در صورت اتحاد مسلمان حصه عيسوي  
براي مسيحيان در آيد، تصور نمائيد خود حصه  
در اين دوره نهارات كه در دهه از مسلمانان  
بعض از اختلاف و خانه حنبي در برده اند، از  
اين رو ممكن است معلومات رور در اين موضوع  
مفتي بر بلذيت و حلي از پرايه سياسي باشد ولي  
اين سكه را هم فراموش بايد رد كه عنصر عثماني  
هاره لشكري بوده و اكثر به عوالم تركت و سياست  
و موقع شناسي و سال اندكي اشتهار برده، و در  
هر موقع كه نسبت به طرف خود قواي حوش را  
داراي مزيتي تصور کرده بدون ملاحظه مهارت  
و منافع ماليه خود آناز مخشوات هم داده اند  
و حال آنكه غالب اين گروه خشوات هاي آبر  
بجاي نفع شان زيان محشيد، هر كه هار و منافعات  
ايران و عثمانی رجوع شود ديده خواهد شد كه  
سكه هر وقت ايران دچار ضعف و اذلال شده  
بيرونك عثمانيان بقصد استناده بر او ناخن طاقت  
هم بجاي نفع زيان برده اند، از بحال بان سرف  
كه ايران مبتلا بافلايات داخلي بوده مسئله نصفيه  
شده سرحد را موضوع بحث قرار داده متسارع  
فنه شناخته ناي مشرقدي در سرحدات ارب

ساده سبب گرديد كه اربكطرف روس و از طرف  
ديگر انگليس سواقبت وي برخواستنه ايران را محن  
اجحافات مسامحه خود ساختند،

غالب سياسيو را عقیده این است كه عاتاملل  
ورود وهيام قشون روس در آذربايجان هانا تجاوزات  
عثمانی سرحدات ايران است ولي چون اين حرركات در  
دوره معلم حميدي پيش آمده بود چنان تصور مي شدم  
كه در اين دوره سواقبت محمدي حوامان با دانش  
عيورترك كه سنگ اتحاد اسلام را بسيد ميرزا نجيب  
امر اجحافات دوره استبداد را نموده سباب مزيد  
اتحاد اسلام را فراهم كنند اسهس خود سلط بود  
آنچه ما بداشتيم، گوي حوامان بهر ترك و دولت  
حدي عثمانی بغرض استاده عمده از نداشتن هياهموي  
اتحاد مسلمين از برادران اسلامي خود داشته و دارند  
و اتحاد مسلمين را چنين تعبير مي بايد كه كايه منافع  
خود شان را فدای اعراض ساختن يا غير صالحه  
عثمانیان بايد، چه مسلم است امره زه اتحاد اسلام  
بنده مانف ايران و عثمانی است و اگر اختلاف در  
مسلمان ديده شود هما اختلاف شيعه و سني مي باشد  
و عقیده ملاحظه شود عثمانيان در اين دوره نه تنها  
اراجحافات دوره حميدي در سرحدات ايران انحراف  
به نموده بلكه بسي بر شدت اوييه افزوده اند، از  
طرف ديگر سلوكي را كه عثمانيان نسبت بر عادي ايران  
در حال خود اختيار نموده اند بزرگترين هرت را  
در عوالم اسلامي توپيد تواند بود عمل مكلاه و اخذ  
و حوه تمتع از ايرانيان هين از پيشه از رعابوي هيج  
دولت خارجي بهگيرند برخلاف معاهده واسكهي بقوه  
مسلمه و ربح در تخارنجاه هاي ايرانيان بزرگترين  
نيشه بر ريشه اتحاد ملتين مي زيد، از شش ماه  
بان سرف مسئله توقوفات را در دارا شوراسيه  
علمان موضوع بحث قرار داده

از تلكراف رور معلوم مي گردد كه تمام اين  
هياهموي بري رور خلاف ولا نصرالدين بود است  
اي چشم حزينه خزان كرملا و محب كه ابدأ  
رو عثمانی ندارد دوخته بودند و مي خواهند  
باين وسيله سعادي بهر دو ملت ترك اسلام يابندازيد  
كه سني دراز مدركن مملئي نكردد اولاً بايد  
داس و حراش تره و محب كه خيلي منگفت  
و عليم و ديك طمع عثمانيا را بجوش آورده ديناري

از آن راجع رعایای عثمانی نبوده و نیست بلکه عثمانیان سالی ملیان ها از صدقه این اماکن متبرکه فائده برگرفته و می گیرند

کلبه این خزان در صدی هشتاد و پنج از یاد شاهان و رجال و رعایای ایران است و صدی پنج از اهالی ترکستان و قفقاز و عبره و صدی ده از اهالی هندوستان است کجاست که منکر شود که تا های عدده چند سلاطین ایران با ملیون ها جوامرات شاهوار در این خزان گذارده شده و ثبت این خزان بسم و رسم در دفاتر موجود است. آیا برای بر مردن اتحاد اسلام چیزی بالاتر از این فتوای جناب شیخ الاسلام تصور می شود؟ آیا دانشمندان عثمانی میدادند که این تصرف ناجائز در صورت امکان هم نهرت بکشد ملیون فرو مختلفه شیعه را بحساب دولت عثمانی جلب می باید؟ آیا غرض عثمانیان از این هیاهو و توده در اتحاد اسلام در عالم انداخته اند فریب و دغی آنان و فصدشان کلام بودن بوده و فقط لفظ اتحاد اسلامی را سند اجحافات خود قرار داده اند؟ آیا رحل مادرایت عثمانی هیچ تصور کرده اند که حصول این مصلوب مرعوب خیلی دشوار بلکه محال است؟ آیا بودن کلام دیگران باسم اتحاد مقدس و فتوای شیخ الاسلام عثمانی را در انصار خودی و نگاه تا چه اندازه کفایت خواهد داشت؟ بجای سلاطین کفر در مقام خودشان حافظ موقوفات و متبرکات اسلامی می شوند و پادشاه اسلام مایل است که دست غارت بر متبرکات مسلمانان دراز نماید؟ یا لا محاله! آیا عثمانیان هیچ نظری بر معاد و موقوفات و متبرکات هندوستان نموده اند که سر بصد ها ملیون ایرا میزد و از جنگ سلاطین خارج از مذهب قرن هاست محفوظ مانده گویا عثمانیان ضمت کنونی ایران که ملوک بالاستحقاق این خزان می باشد غنیمت دانسته بخوبی استفاده از این ذخائر هنگت اوتساده اند. ولی باید دانست طمع را سه حرف است هر سه همی. این دست درازی جمیع مات شیعه را در هر نقطه از نقاط دنیا به هیجان آورده روح تازه و حمی زنده در آنان پیدا کرد. در جلو عثمانیان خواهند ایستاد

خوب بود جناب شیخ الاسلام بدو حکم تصرف

موقوفات و تبرکات شیخ عبدالقادر و امام اعظم میدادند. و امتحان میکردند که آیا بشرفت میکنند یا نه؟ آیا جناب شیخ الاسلام را آن درجه اسلام برستی هست که موقوفات و متبرکات بیت المقدس که آنهم در خاک عثمان واقع است بقبضه و تصرف آورد؟ گویا ابراهیم و ملت شیعه را ضعیف تصور کرده و میخواهند از آنها استاده نمایند و یا آنکه این اماکن مقدسه شیعه را مقدس و محترم ندانسته مصمم نهرت آن میگردند. و ما به برادران عثمانی خود نصیحت می نمائیم و استدعا میکنیم که این خدنگ زهر آلود را بطرف اتحاد اسلام برتاب نه باید که زبانش بیشتر باید خودشان خواهد بود و اقدام در این امر نکنند که در کز کامیاب خواهند گردید. و محای نه زبان خواهند بود. و نتیجه جز اختلاف مسلمین که مصارش بیشتر باید به عثمانیان است حاصل نخواهد گردید. چه اتحاد اسلام بزرگترین فائده اش به عنصر عثمانی شامل است ~~ص~~ عنصری بسیار لوجت و در آیه جز در سایه اتحاد اسلام بهزت و توفیر و ترقی باقی نتواند ماند و در جمیع مسلمانان عصری کمتر از عثمانی دیده نمی شود

جبل المتین

بصره سافه که از بلتیک کنونی دولت بمناسبت راه آهن بغداد در کایه عراق داریم و وحشتیکه از مسئله اتحاد اسلام در برخی از ملل اروپا دیده می شود تلنگراف روتر را با این شدمند کاملاً تصدیق نتوانیم نمود. خصوصاً در صورتیکه می بینیم از روی مساعدت ما ایران دولت عثمانی را حق دخالت و تصرف در خزان کربلا و نجف نیست. یک از فصول معاهدات ایران و عثمانی این است. « خزینه نجف اشرف غریبه علویه را که در فتنه جماعت مبتدعه و هابیه بزمن فیوضات قرین کاظمین آورده اند دیگر باره باستحصار متمدین عتبات عالیات و متمدنی معین از دولت علیه ایران بر گردانند و طوامیر جمهور محتوی بر اساطیر مسطوره بدرگاه گردون خرگاه ایران فرستند تا شرح و بسط آن در دفاتر اعلی بحیز ضبط و ثبت اندر آید. و نیز در معاهدات بین ایران و عثمانی فصول دیگر هم ~~ص~~ حقوق ثابتة ایران بر خزان متبرکه عتبات عالیات ثابت می نماید ~~ص~~

است - در این صورت تصور نمیکنیم که دولت  
 علیه عثمانیه تا این درجه تجاوز از عهدنامه  
 نموده مصمم به نصب خزائن اماکن متبرکه گردد و  
 عالم تشیع را به بیجان و مخالفت بر انگیزد و نیشه  
 ریخته اتحاد اسلام که سراسر فایده اش باید  
 به عثمانیان است نزد هیجان شیعیان عند ارجحی  
 که آل اندیا شیهه در لکنه نموده و برخلاف  
 فتوای شیخ الاسلام بر نصب خزائن اماکن متبرکه  
 و خواستن حفظ حقوق شیعیان از دولت انگلیس  
 شده بحدی طامر میدارد هیجان عموم شیعیان دیا  
 را در این موضوع خصوصاً در این موقع که  
 رقبا بزرگ مسلم انگلیس و روس کاملاً متوجه  
 بمراقب عرب اند، و اگر خدای ما خواسته مناقشه  
 بین ایران و عثمانی در این موضوع پیش آید  
 مسلماً حاوی منافع عثمانی خواهد بود، چه علاوه بر  
 این هم از روی معاهده دولت ایران حقوق ناشی  
 دیگر نیز در نصب والی بغداد دارد که اگر امر  
 منجر به مناقشه شود آن دعوی نیز پیش مسجل  
 خواهد گردید و محال عثمانی مافع نخواهد شد.

امیدواریم که روح سیاست عثمانی در  
 این اول قدمی که مسلمانان بصره اتحاد اسلام  
 برداشته اند به اقدامی که بی نتیجه بودن آن  
 مسلم است ارکان اتحاد اسلام را متزعزع نرساند  
 ما عموم برادران شیعی خود را متذکر پلتیک  
 اروپائیان نموده تمنا می نمایم تا وقتیکه کشف حقیقت  
 امر نشود باین تلگراف بر آب و تاب از خانه  
 صبوروی بیرون نروند و خلل در ارکان اتحاد اسلامی  
 بیندازند، و متذکر شوند واقعات پلتیکی دو سه ماهه  
 گذشته را که بذریعه تلگرافات روتر بدون اساس  
 چه اغلابی در عالم اداختند -

در یاد داشت انگلیس با ایران که توجه عوام  
 اسلامی بطرف آلمان معطوف شد در جواب آن در  
 حین ملاقات پورتسدم تلگرافات پلتیکی یکدفعه واروی  
 او را زد و تمام قلوب مسلمین را از توجه به آلمان  
 سکنه دار ساخت و حال آنکه ما کنون هم نتیجه  
 ملاقات پورتسدم طامر نگردیده است

چون اتحاد اسلام و ائتلاف ایران و عثمانی  
 حالب توجه عمومی گردیده بعید نیست این تلگراف  
 برای سکنه توجه مسلمانان در اتحاد اسلامی اشاعت  
 شده باشد، لذا ما راست که بهی مشتمل و به نسی  
 خاموش نشده و کشف حقیقت امر را انتظار می نمایم

مکتوب از مسکو

(اختلال در روسیه)

چندی قبل کاغذی نوشته بودم اینک باز چند

سطر بشما می نویسم اما نمیدانم این مکتوب بدست  
 شما خواهد رسید یا نه. زیرا در حکم امروز در  
 هر جای روسیه اداره عرفی حکم خود را اجرا داشته  
 و شهرهای بزرگ همه در زیر قوه نظامی و ما  
 قوانین مستقنا اداره میشود. علائم اختلال صحت  
 بنسبت مابیشهای شاگردان دارالافتوت - طالب  
 و طالبه سر نمود حالا موجب انکشاف اختلال بر  
 وحشت شده است. همین اختلال که نمره وحشت  
 و معالم روس است نتیجه طبیعی است نه تنها به  
 اردر و خوائف بحری تاثیر کرده بلکه به اهالی  
 حامل و فرقه های متمصب هم سرایت نموده است  
 حکومت مستنده روس هم در مقابل این حادثه  
 دست و پای خود را گم کرده و نمیداند چه کند  
 عموماً حرب عریضی هر گاه را صحت معجزه دهد و  
 روس به ویرسد گرفتار به جنس و تبعید نموده یا  
 بدر میزند حیولی اشخاص معصوم و بی سرهم در  
 این بزم شربت مرگ را میچشند، امسال ما عده  
 عظیمی پرسانه بدر ۵۰۰۰ نفر آدم را صلب و  
 اعدام کرده اند، باز مجاهدین در راه آزادی از  
 حلقه دوزخ و شته شدن قدمی عقب نمیگذارند.  
 همه رده ها و محبسها، مجرمین سیاسی باب بر است  
 و با سالها بدون استصاق و ملاحظه که دو  
 رده های آریک در زیر زنجیر و آهنهای سرد و  
 بدون رحمت جواب آیه و تشنه که باید در  
 آعمار زندان شدجهای انگلیزیسیون مغفرت خواسته  
 و با عده ای دو ماگون نوك حیات نموده و میروند  
 دختران و پسران که شاگردان کتاب عالی و دارالافتون  
 اند در سر مدعی خودشان مستحق بوده و مکتوب  
 نمیروند -

مکتوب سن پترزبورگ و مسکو و نیف و  
 وارسو و اودسا ما تمام حلی و در یک حال  
 مانی در بسته ماده اند، عینه گذشته که بحریون  
 ایستگاه کروشتاد بسبب محمول تعصبات نمودند  
 قوه منبری و مادی اختلا یون از روده و بر آنها  
 حسارت محسبده و حتی مالم مطبوعات که همه در  
 زیر بجه سانسور شکوه میکنند ازین تعصبات  
 مشروبه و وض پرورانه اردوی بری و بحری  
 زندگی از سر گرفته و اکثر آنها آشکار در ضد  
 حکومت قلم میزنند ولی چه چاره که طم خبیلی فعال  
 و بسیار عدار است باید چندی هم انتظار عدالت  
 مجلس دو مارا کشید، حائیکه نور و روشنائی نماید  
 تاریکی نمیتواند بایستد



(روسهای سنگار)

کتاب و مدارس اسلام را محو میکنند در ایالت و پتلا و در شهر (پون) که در مدرسه کبریا ۶۰۰ پسر و ۴۰۰ دختر بود همین مدرسه را حلا حکومت مستبد روس بسته و معلمهای آن را به زندان انداخته و اطفال را بیرون ریخته و غیر از بیم در جوار این شهر قرا و قهات با شدت تمام دوزخ تفتید و تروصد مانده و حتی يك نفر را از بیعتن اول مجلس دوما (سایه رای جن) بود از برایش میگردید که گرفته و حبس نماید در شهر فزان غنجان و عدالت اندویم هدف همین معامله شده اند، اینها کسانی هستند که در روسیه به مدییت اسلام کوشیده و میگویند، خیلی مکتبم در قفقازیه بسته و از مشاهیر اسلام خوبی توفیق و حسابی آنها معامله شده است، این همه نظام روسیه هیچ حساب نبردت نشود اما اگر در ممالک اسلام بن قائم بری مکتب نوشته شود که معانی مساوات و عدالت باشد فوراً همه جهان سران بیخ بجمعه رحمت و وحدت میشود اما در حالتیکه در روسیه هزاران مکتب اسلام و استقبال تمام در زیر پای وحشت و خونخواری پایت و محو میشود همه دنیا بی وجدان ولا میگردند زهی مدییت، زهی وجدان!

حکومت امتیازات روسیه در ایران

از هر یک وکالت روتر می برداشته در این اواخر در برین انگلیس شد، در باب این روسها امتیاز راه آهن در شهر ایران دارند اسباب تعجب دولت ایران گردیده است همیشه بدینگونه توضیح شده است، با قرار داد لینه، روس بود که توجیح آن ایران بر روس و بد زرد بود که برای مدت ده سال امتیاری دولت خارجه بدهد ولی ایقرار داد چند ما این واقعی و دیگر تجدید شده امتیازی برای راه آهن سالی مدت خارجه داده شده است، و ممکن است ایران در حقیقت لزوم بوابد راه آهن را تماماً مالک است حق راه آهن سازی را مخصوص خود نگاه داشته و مصمم است همینصورته موقع رسید خودش اینکار را بکند.

دولت ایران عمداً در خارج انگلیس اسپینان فاده است که آنچه ممکن است میکنند برای حفظ اسم و امیبت در راه های حاوی و برای تهیه اشراق تلگرافاتی در باب وقایع اخیر جنوب دیروز از وزیر امور خارجه ایران رسیده اظهار میدارد که در مورد يك سرفتی که در نزدیکی شیراز از تجار انگلیسی شده بود به استمداد نظامی که حکومت دو

تغایف سارقین فرستاد قسمت عمده اموال مسروقه را بدست آورد و نیز معادل شصت هزار لیره اموال بیودیا که در شیراز سرفت شده بود بدست آمده و بصاحبانش مسترد شده است، و حوه منطلق بیانگک شاهنشاهی که در نزدیکی اسفهان سرفت شده بود ماصیله بکروز بدست آمد و یکصد صدوق تریاک منطلق بکمپانی زیگلر نیز بدست آمد و بصاحبانش رد شده است

حبل المذین

مکرر نوشته ایم که مسئله راه آهن ایران از مسائلی است که حیات و میات این مملکت شش هزار ساله را در بر دارد، و تمام صدماتیکه از مسافران حریص با وارد شده و من بعد نیز وارد شود راجع همین مسئله بوده و خواهد بود، و تا وقتیکه ایران نصفیه راه آهن خود را نه باید نمی توان گشت مشکلات خارجی آن خانه مذرفه است، امروزه ایران مانده کس موقع اهمیت نموده که ممکن نیست تا دیر باز بدون راه آهن تواند ماند و اگر سربماً ما خودمان اقدام به بنایم، این طعمه لذیذ را از جلو گرگان حریص برداریم خواه بخواه نشاید استقلال ما را مالا خانه دهد رفقای بیار من خود ریخته و نصفیه نموده با فشارهای گوما گوت با خواهد دیولاید، شایسته است قبل از آنکه رفقای من خودتصنیه بایند ما پلتنیک خوردن را در راه آهن مملکت خویش علنی و رسم، ساخته جدا شروع بکار بایم.

چیزیه از همه با سره تر میباشد این است که جراند دسا و پارلمانهای دول بر است از بحث راه آهن ایران، ولی از خود ایرانیان ادا آوازی در این موضوع بگوش می رسد، و جراند ملی ما هم اگر وقتی فراغت از زد و خورد مایه مسلیکی نموده شق القمر کرده يك از مقالات جراند را ترجیح نموده عیناً درج میکنند، بدون آنکه سحنی در اجوسوع سراید و یا تکذیب و تصدیق آن جراند را گذار گذاشته و میگذرد

در غالب پارلمانهای دول مسئله راه آهن ایران را صحیح با سقیم موصوع بحث قرار داده اند، ولی وکلای محترم گویا آن بحث ها را در عوالم پلتنیک ایران دارای هیچ اثر ندانسته و یا آن ایرانی که راه آغوش موضوع بحث سایر پارلمانها میشود ایران خود شان نمی دانند، بلی این است نتیجه بی اسلای از سیاست عالم، با عدم فرصت از مناقشات پیروده مسلیکی، امروز موقع آن رسیده است که جراند ملیه و مجلس دارالشورای

دشوار نیست ولی گرفتن جایگاه سلطان بسی دشوار و خطرناک است

نی سکسور ( کیتالیجاس ) در پارلمان ( مادرید ) اظهار داشت که دولت اسپانیا کاملاً نگران است که در مسئله مراکو فریب نخورد

( ۸ ربیع الثانی - ۸ اپریل )

نی انقلابات مراکو در فرانس مورت تشویش شده چه قبائل و نشار اطراف، شهر (فاس) را محاصره نموده اند، وزیر خارجه فرانس در پارلمان اظهار داشت که بر حسب معاهده ( الجزیره ) دولت فرانسه را حق آن هست که اگر اطلاعات در ( فاس ) زیاد شود برای محافظه مراکویشان اقدامات مسامحه بجاید، وزیر خارجه ضمناً بیان نمود که اتحاد روس و فرانس با کابینت برقرار و اتحاد فرانس و انگلیس از اهم مسائل وزارت است، دولت فرانسه دوش مدوش آلمان اقدام خواهد نمود، چون امراض متحد است اتحاد و ائتلاف ما با دولت سائره غیر ممکن نیست

نی بموجب تلگراف ( ح - مدیده ) اصرار در امر ف ( صفا ) تا عده زیادی هجوم آور شده ر ( حجا ) که از نمایان تصرف نموده اند و قشون نیز شاید میباشد، ولی این تلگراف قبل از آن تلگرافی است که در اسلامبول اشتهار یافت که ( صفا ) از محاصره خارج شد است

نی بموجب تلگرافیکه از ( صفا ) رسیده جنگ سختی واقع شده پس از قتل یکصد هزار اصرار از آن بوج متواری گردیدند

( ۹ ع ۲ - ۹ اپریل )

نی بموجب خبریکه از ( استنبلی ) پای نحت ( جبل اسود ) رسیده بلوایان آلبانی در هر نقطه فتح نمند شده، قشون عثمانی خود را تسلیم آنان کرده سلاح سپردند نجات می یابند

نی در محله ( یوهی وارا ) ی توکیو حریق واقع شده پنج هزار خانه سوخته ۶۰۰۰ هزار بی خانمان شده و بسیاری مجروح گردیده اند ولی در این حریق کسی تلف شده است

( ۱۰ ع ۲ - ۱۰ اپریل )

نی شاعر اد وایمهد آلمان با زوجه محترمه شان قصد ملاقات امپراطور آستریا در وایینه رسیده امپراطور تا ایستگاه راه آهن استقبالشان کرده يك شب در ( قورفبرگ ) توقف خواهند داشت

نی بموجب تلگراف هنگکنگ بلوا در ( کانتن ) بالا گرفته، جنرال ناتاری فوج را بقتل رسانیده اند، فوج کمک با کمال سرعت مرستاده می شود

ملی بخوبی که صدایشان اطراف و اکناف کرده را احاطه نماید عقیده خودشانرا در راه آهن ایران موضوع بحث قرار داده دولت و ملت را مستعد انجام این خدمت عالی نمایند

آیا هنوز موقع آن نرسیده است که دولت مشروطه ایران دارای يك جریده رسمی شود که تکذیب و تصدیقش در مسائل بلتیبکی و اقتصادی ایران اهمیت و سمت رسمیت داشته باشد، آیا هنوز هم وزرای محترم ما تمسک بحبل المتین جرائد را بی هوده و بی فائده تصور کرده اخبار را بچارت از ورق پاره مدح و ذم میدانند

ما چشم داشتیم برین دوره و وزرای خودداریم ما دوار دیگر و کابینه های سابق نداشته ایم، اگر ایران دارای يك جریده رسمی بود بمجرد مباحثات و اساس امتیاز راه آهن شمال ایران بروس که در پارلمان انگلیس شده رسماً تردد و تکذیب می شد، و جای شبهه رای احدی باقی نمی گذارد، امبدواریم وکلای مجلس و وزرای جدید و جرائد ملیه پیش از پیش متوجه باین گونه مسائل مهم شده هم مسلك خود را و طالبان ظاهر دارند هم لکن بی اطلاعی و بی مسلکی را از روی خویش بردارند

### تلگرافات

( ۶ ع - ۶ اپریل )

نهار انگلستان از معاهده تجارتي انگلیس و ژاپون ابراز نا راضی می نمایند - اگرچه اقرار دارند که تخفیف برخی اشیا، کرکی نسبت بسابق شده ولی در مقابل بعضی از تجارتها یک بزابون می شده معدوم ساخته است - چنانچه تجارت نخته های دبیز آهن و مسبه آلات ملمع و پارچه های اربشی کم قیمت يك دفعه ترك خواهد شد

( ۷ ع ۲ - ۷ اپریل )

بسیاری ارباب رای شاکي اند که صمیمانه معاهده تجارتي ژاپون و انگلیس فهرست اشیا پیش شده که بدون کرک از ژاپون در انگلستان وارد خواهد شد، ولی پس از يك سال دولتس را اختیار داده شد، که در آن ترمیمات مناسبه بنمایند - برخی را عقیده این است که چون اختیار ترمیم باقی است - هرگاه ژاپون تخفیف در کرک بدهد دولت انگلیس هم معاوضه تواند کرد

نی در پارلمان فرانسه در مسلك خارجی فرانس مسیو ( ریپولت ) اظهار داشت که اوضاع ( مراکو ) خیلی خطرناک است، دولت فرانسه باید سلطان را تأیید نموده رفع انقلاب و خطرات را بنماید - مشارالیه اظهار نمود که رفتن فرانس تا ( فاس )

میام ملرج قبضه نموده و تمام قشون عثمانی جز ۱۵ نفر از ۳ رژیان جان سلامت نبردهاند - در عملات اندرونی من جز (صنعاوالنیع) قبضه توکان نیست ( ۱۲ ربیع الثانی - ۱۲ اپریل )

۱۵. اداره بحری انگلیس مشغول امتحان توپهای ۱۵ اینچی است و چنان تصور می شود که این توپهای - جدید جواب اختراع آن دولی است که توپهای ۱۴ اینچی اختراع نموده اند -  
تلفکرافات راجع به ایران -

۱۶. وقایع نکار دلی تلفکراف از اسلامبول خبر میدهد که گنگو در مسئله راه آهن بغداد بین عثمانی و انگلیس موقوف شده است، سفیر انگلیس از این مسئله اظهار ناراضی می نماید

۱۷. اعلیحضرت شاهنشاه ایران در دفتر اعانه مسجد لندن هزار ایرا اعطا و رئیس الوزرا و وزارت خارجه نیز عصویت کبینه انظامیه مسجد را قبول نموده اند  
۱۸. روزنامه طمس لندن از طهران خبر یافته که فرمانفرمای فارس اعلان ورود خود را به گرفتاری رئیس خاندان قوام که بواسطه دشمنی با قشقانی سبب انقلابات عظیمه در جنوب گردیده بود داد  
۱۹. بموجب خبریه از بغداد رسیده در دهه شط العرب جراح برقیکه فوت ۳۴۰ درجه روشنی دارد و شب که در حین عبور و مرور شباهت حایزات نتواند حرکت کرد

۲۰. واقعات سه انگیز فرحت رای بوشهر -  
باشاره در بیکی اعصای کلاستر و توجیبان سوم شهر حال معات و بلوا نموده در قوسل خانه عثمانی جوان ناکام و سنجوام با حرارت و دیانت میرزا مصطفی خان میان نصیبه را با سه نفر دیگر بقتل رسانیدند که ما شرح جانگداز این واقعه را در آینه خواهیم گاشت  
روز هشتم شهر حال جناب موقرالذوله که به امانیت و دوستکاری ایشان همه اعتراف دارد حکومت کل خلیج وارد و به مستند حکمرانی خود نشسته در بیابیکی در منزل (ستر چک) از خوف قصاص دولت متحصن گردیده گویا میخواهد اگر ممکن شود بکراچی فرار نموده یا بدعندش موقرالذوله او را اطمینان داده حرکت به بحر نموده فعلا امور بوشهر در منتهای آرامی بسکوت بحرانی می گذرد ولی چون ریشه فساد از خلیج کنده شد امید است این آرامی امتداد یابد

حبل المتین

وقتی این خبر را با تلفکراف امروزی (روتز) که خبر از گرفتاری رئیس خاندان قوام میدهد توأم نمایم از این و بعد اطمینان کامل در امنیت جنوب میتوانم حاصل نمود

۲۱. بموجب تلفکرافیکه از (صنعا) با اسلامبول رسیده عراق در اطراف (صنعا) متوالیا مشغول بهنگام نوبخانه هم استعمال می کنند، قشون و اهالی در حیط شهر کوشان اند

۲۲. بموجب تلفکرافیکه از (اسکوتماری) با اسلامبول رسیده ملواتر ان البای همه روزه درازد دید کث نوری باید روانه نمود، وزارت جنگ ۳ ستان قشون از اسلامبول گسیل نموده و در سواحل دریای احمر حربه جمع رود - داده است، شقت پشا در سر رقتون بی مهر شده و امشب روانه گردید  
۲۳. بموجب تلفکراف (تاجخیر) بارندگی زیاد و سیلاب طامع از اقدام بهوائیان در بواج (فوس) گردیده، سلطان تیکو تدارک استمداد نموده، قشون اسپان برای حرکت به سانو مر و آندو و مستعد است نیز، وزیر اعظم اسپان در پرتغال اظهار داشته که دولت اسپانیا بدولت فرانس خبر داده است که هرگاه دعوت مسلحه برای حیط مرا او لازم آید اسپان بموجب معاهده که با فرانس دارد در همراهی و اقدامات لازمه همه گونه حضرات، مکرر مشارایه اصهر داشت که اقدامات اسپان مابوط به پیش آمد واقعات مراکز است

( ۱۱ - ۲ - ۱۱ اپریل )

۲۴. چون حکومت جزیره (کیپ ورد) بیرون از اختیارات خود اقدام نموده بود، حسب الامر حکومت جمهوری پورتگال گرفتار و به (لسن) آوردند  
۲۵. وزیر بحری روس اظهار داشته که آبخو، عادی میناب معاص اداره بحری می شود صحیح و او نیز بی اصلاح است و برای تکمیل قوای بحری تدارکات لازمه می شود از این ره از دیاد ۴۷۰۰۰ قشون بحری را خواستگار شده که سالانه ۹۰۰۰ نفر را در اداره بحری شام ببرد، شورای دهی ۱۱۰ میلیون منات را منظور نموده ۲۳۳۰۰۰۰ منات زیاد است بر آن مبلغیکه مجلس دوما برای اداره بحری منظور نموده بود

۲۶. وزیر بحارت روس لایحه که مبنی بر تشکیل یک ثبای روسی و ژوی بود پیش نموده اظهار داشت که تشکیل این ثبای مرید بر روابط تجارتن روس و ژاپون در هر نقطه تواند گردید

۲۷. بموجب خبریه از اسلامبول رسیده از شهر (نوری) هیچ گونه خبری نمیرسد و فرقه (میردانت) نیز شریک بلوا شده روز افزون عده ملواتیان الدان در مرید است

۲۸. بموجب تلفکراف (بریم) ۱۸۰۰ نفر قشون عثمانی را به مکر و خدعه اصراب یابی نیست و نامه کرده اند، و میگویند که بر (نادری) اصراب

( جبل المتین کلکتہ )

( مدیکل کالج استریت نمبر ۴ )

HARVEY MARTIN OBE  
1 MEDICAL COLLEGE STREET  
CALCUTTA

( کلیہ امور ادارہ ما )

( مدیر کل مؤید الاسلام است )

( سر دوشنبہ طبع )

( وسہ شامہ توریج میشود )

( یوم دوشنبہ )

( ۲۵ ربیع الثانی ۱۳۲۹ هجری )

( مسادف ما )

( ۲۵ اپریل ۱۹۱۱ میلادی )

و بلا حق احد ایوب بدون قسم بازنه و وفای که  
( مشترکین را قسم مخصوص سال هیجدهم دست خاسته )  
( دوماً شان ری شمانه عددرد )

( قیمت اشتراک )

سالانه - شش ...

( هد و برهه )

( ۱۲ روپیہ - ۷ روپیہ )

( ایران و افغانستان )

( ۲۰ قرن - ۲۵ قرن )

( عثمانی و مصر )

( مجیدی - ۳۰ مجیدی )

( اروپا و چین )

( ۳۰ فریک - ۱۶ فریک )

( روس و ترکستان )

( ۱۰ بیات - ۶ بیات )

سنہ ۱۳۱۱ هجری

# المتین

مراعات خصوصی دون مصری

مہروف درہ درج میشود

در این جریدہ از ہر گونہ خرابی و فساد سیاسی و ممالک دوقی و فواید ملی تحت میسود  
در حالات عام مملکت معمول و در شرف درہ آر دست

اطاق سہدار اعظم رئیس اوزرا

ز در حبیبہ مراسمہ کابینہ جدید را

( مجلس شورای ملی پیش نمودند )

ملاحظہ اوضاع امروزہ مملکت بحسب مدخل میدارد  
کہ تا در سبک دارہ دولت تعبیر واضح دادہ نشود  
و حسن جریان امور بطور کامل منظور و سر کار کنان  
دولت باشد از حیث انتظام امور مملکتی ہر یک نوع  
موفقیتی مایل نمیتوان شدہ شرط امر اصول این مقصود  
حفظ قدرت لازمہ است کہ ملت برای تعمیم مصالح  
خود بہ ہیئت دولت میباشد از آنجائیکہ این قدرت  
تاکنون بقدر کافی اعمال شدہ است فتوری بانتظام  
امور رام یافته کہ آن در تزیاد و آئیہ  
مملکت را تهدید میباشد در علل و اسباب این حال  
ناگوار کہ تعمق شود برای جلوگیری از انحطاط  
وسائل چهارگانہ ذیل ناگزیر خواہیم بود

(اول) رفع مواد فساد (تروریسم) یعنی دفع مواد  
مخالف مشروطیت و مغل آسایش بلاد و اهالی و  
مانع حسن جریان امور دولت این بلای مملکت  
ویران کن امروز سلامت مملکت را معاضدہ انداختہ  
و همان آزادی بر قیمت را کہ با این ہمہ صدمات  
بدست آمدہ بشدت متزلزل ساخته است. چون  
بافعل قوانین لازمہ وضع شدہ است و مسلم است

ما قوانین کہ هرکس در خیال تصور میکند نمیتوان  
دولت را اداره نمود. و امر نایبکہ سلامت مملکت  
اس اساس تمام قوانین است. لهذا ہیئت دولت با  
مسئولیت فوق العادہ کہ در مقابل خدا و خلق بمسئولہ  
دارد برای دفع مواد مذکورہ بای محوکان اختیار  
نام میخواہد

- (۲) اعمال مجارات در موارد خنجر و جنایات
- (۳) تأمین انتظامات اداری و حفظ اصول
- اضاعت در میان دیققات مامورین و احزای ادارات  
دولت خصوصاً در نظام بہ وسیلہ مجازات ادارہ
- (۴) احزای قانون مطبوعات - آزادی حرایت  
از اصول اولیہ مشروطیت است لکن بعضی از حرایت  
تاکنون بسوء استعمال این اقت مجانباً مصلحت مملکت  
و مقتضیات وقت را اخلال و حیثیت دولت را  
در داخل و خارج تصبیح کردہ اند - و وزراء  
عصر بعلمت محذوراتی کہ در موارد ارجاع محاکم  
عدلیہ تصادم میکردند - در احراء قانون مطبوعات  
متوقف بودہ اند و بعد برابری کابینہ اختیاری لازم  
است کہ تا اصلاح محاکم عدلیہ ہر گاہ حرایت از  
حدود قانونی تجاوز کردند وزارت معارف قانون  
مطبوعات را محذ - آکہ ادارہ مجری دارد - در  
صورتیکہ نمایندگان محترم بامقدمہ فوق الذکر موافقت  
کاملہ داشته باشند پروگرام وی بمجلس شورای ملی



(تقریر مستشارالدوله ورپر داخله)

(در مجلس شورای ملی)

در این موقع قبول این مأموریت از قبیل حوادثی است که بر بنده و رفقای بنده وارد میشود، در بذرائی این لایحه وقتیکه اسباب و مشکلات و مواع و مقتضیات سنجیده شود انصاف خواهد داد که فدکاری مفت نفر هر قدر هم بزرگ باشد به تنهایی کنایت نخواهد داشت که باین اوضاع بریشاف مروسامانی داد. شود لازم است عموم ملت با واقعت حقیقی پشتیبان اقدامات کابینه بوده و مجلس شورای ملی مادامیکه بوزرا اعتماد دارد بطور فوق العاده با آنها همراهی نماید برای اینکه ملت و مجلس و کابینه با هم باشند باید از هم دیگر اطلاع داشته باشند، باعتبار سده تاکنون باین مصلحت عمده که اساس حکومت ملی است رعایت کامله نشده، گاهی دیده شده است که قانون در طریق مانده و مصلحت مملکت در طریق، بسا شده است که مجلس شورای ملی به تنهایی کار کرده و افکار عمومی احتیاجات مملکت در حده دیگر سیر نموده است، و کابینه وزراء تصور کرده است که با کتمان بعضی از مشکلات موفق خواهد شد بدفع اختلافات واقع، نتیجه این شده است که مقتضیات وقت احتیاجات ملت و مملکت قوانین موضوعه ملت و مجلس و کابینه وزراء هم دور افتاده اند، و حال آنکه در زیر سر این خسا اگرچه مصلحت هم خوابیده باشد دو هزار تهمت و دروغ و نارو بیدار شده و سی و عمل در تلاطم امراض مستهلك مانده است، با حالت حالیه بنده بهیچوجه طرفدار کتمان و برده بوشی نیستم و بقین دارم وزرای عظام در این عقیده با سده شرکت نامه دارند در حالی که کوس بدبختی ما را در اقطار جهان میزنند معایب امور خودمان را از کی میخواستیم مخفی بداریم از بیگانه یا از خودی؟ کدام يك از خنابای امور ما از بیگانگان مخفی است؟ مکره بازره بین های قوی باعناق معایب ما میکنند و در نتایج آن عور میکنند؟ از خودی چرا باید امری را پنهان داشت، ملت صاحب اختیار مملکت است، چرا باید از خرابی های مملکت که خانه مشترکی است و اگر مرمت نشود خدای نخواست

پیشنهاد میشود و چون با خطراتیکه وطن عزیز را تهدید میکند فقط محض فدکاری حاضر خدمت شده و کار مملکت را مهم تر از آن میدانیم که بدفع الوقت و مسامحه بگذرد

لذا مرآن که تقویت مجلس نسبت بهیت وزرا منظور نشود اشغال مسند وزارت را خیانت دانسته استعفای خود را تقدیم خواهم کرد

مراعات کابینه جدید که بمجلس شورای ملی پیش شده)

۱ اتخاذ وسایل لازمه برای تکمیل امنیت

۲ تشکیل اردوهای سیار و ساخلو در نقاط

لازمه مطابق لایحه و بودجه که بمجلس پیشنهاد شده است

۳ حفظ و تشدید روابط حسنه با دول متحابه

۴ تعقیب استقراری که کابینه سابق بمجلس

پیشنهاد کرده و از تصویب کیسیون قوانین مالیه گذشته است

۵ پیشنهاد بجه بودجه کل

۶ شروع با اصلاحات مالیه با مستخدمین خارجه

۷ تجدید نظر در مالیات نمت محض رفع معایب

و مشکلاتی که از این مالیات برای دولت و اهالی حاصل شده است

۸ تشکیل هیئت مخصوصه برای تدارک نواقح

قوانین موقتی در مواردی که هنوز وضع قانون نشده و بحال اقطار گذشته قوانین از مجرای خود نیست،

لواج مربوطه فقط تصویب کیسیون مجلس شورای

ملی و هیئت وزراء و امضای مقام منبع نیابت

سلطنت عظمی خواهد رسید (بقای این هیئت

تا وفق است که شورای دولت دائر شود)

۹ اصلاح عدایه با تدارک توتیبات مقدسانی که

نوائج آنرا وزیر عدایه موافق ماده هشت این

بروگرام بکمسیون عدایه پیشنهاد خواهد کرد

۱۰ اصلاح مدارس ابتدائی و توسعه موجوده

حق القدر و اجرای بروگرام متحد در کلمه مدارس

تاسیس مدرسه دارالمعلمین در طهران مطابق

پیشنهادی که خواهد شد

۱۱ توجه با امر تجارت گذاردن قانون شرکتها

پیشنهاد لایحه قانون طرق تجارت

۱۲ پیشنهاد اصلاح قانون بدیه (محدولی)

بر سر همه خراب خواهد شد بی اطلاع باند ؟  
 صاحب خانه هم باید راه را آشکار به بیند  
 از جامه که کار کنان او می اندیشند و بکار میبرند  
 و اطلاع داشته باشد برای حصول این مقصود،  
 در يك جلسه دیگر احوال و اوضاع حاضره مملکت را  
 از همه حیث کاملاً با اطلاع نمایندگان محترم خواهیم  
 رسانید . تا بدانند وضع چقدر هولناک است و چه  
 مخاطراتی ما را احاطه نموده و بخوبی تأمل شود که  
 آیا وقت آن رسیده است که مقدرات مملکت بازاری  
 شود و اگر وقت آن رسیده است پس همان سبک  
 و سلیقه را سالک باشیم که دیگران در ضمن موارد  
 مشکله پیش گرفته اند، یعنی بکسایکه اعتماد تمام دارند  
 اقتدار کافی بدهند و سعی نکنند که ناهمت و  
 اعتراضات بجا شوق فداکاری آنها را سست نکنند  
 و بگذارند باندك فرصتی که باقی است تماماً باصلاح  
 خرابی ما صرف شود، وقتی که ملت و مجلس و  
 کابینه باهم اتفاق کردند عملاً به قولاً میرسیم بآن  
 اتحادیکه اتصالاً بی آن می کردیم و حاصل میشود  
 آن اتحادیه همه سرمایه صلاح و فلاح است

( جواب مؤتمن الملک رئیس مجلس شورای ملی )  
 سده اولاً تبریک تقدم میدارم، از طرف خود  
 و مجلس مقدس میتوانم اطمینان بدم هیئت وزراء  
 که تمام وکلا محترم کمال همراهی را خواهند کرد  
 زیرا همگی چون نفس واحد هیچ قصدی  
 در نظر نداریم جز اصلاح خرابیهایی دیرینه ، و  
 دفع مفاسد و مایب حاصله فعلیه، اینک از طرف  
 خود خدمت وزراء عظام که فی الحقیقه وطن پرستانه  
 میسواهند انجام وظایف خویش دهند تشکر تقدم  
 میدارم، امید است عنقریب از جانب عموم وکلا  
 خدمات آتیه ایشانرا تشکر بگویم، اما درباب پروگرام  
 عقیده ام این است امروز مذاکره بشود باشد تا  
 بعد طبع و توزیع کنند برای روز سه شنبه

جبل المتین

نطق رئیس الوزرا و وزیر داخله خیلی قابل قدر  
 و جالب نظر دقت است و بروگرام ایشانم دارای اهمیت  
 زیاد، و ما چون اعتماد به وطن خواهی و لیالت و  
 قابلیت این کابینه داریم صرف نظر از تنقید میکنیم،  
 فقط وزرای محترم را متوجه دو نکته میسازیم  
 اول آنکه تشدید روابط حسنه با دول متحابه

بسبب مرعوبیت و سیاق دوره استبداد نباشد که  
 نه تنها در این دوره بیداری ملت آت سبک  
 مرعوبیت مورث تشدید روابط حسنه نتواند گردید  
 بلکه توایید عداوت و مشکلات بزرگ تواند شد  
 دوم مسئله استقراضی است که کابینه منصفه  
 به مجلس شورای ملی پیش نموده و ما ذیلاً آن  
 لایحه را نقل میکنیم

لایحه وزیر مالیه سابق درموضوع استقراض  
 چنانچه از بودجه جمع که تقدیم مجلس مقدس  
 شورای ملی شده است مشاهده میشود کابینه مایدات  
 فوق العاده و غیره مثل ( شرابخانه ) بالغ بر بیست  
 و پنج کروور تومان میشود، از این بیست و پنج  
 کروور قریب سیزده کروور از محل نقد و جنس  
 مالیاتی عاید میشود، دوازده کروور از محل های دیگر  
 از قبیل کمرک و تذکره و پست و تلگراف و مالیات  
 های جدید و غیره ، مایدی نقدی این دولت همین  
 دوازده کروور اخیر است ، متأسفانه پس از وضع  
 مخارجی که آنها تعلق میگردد چیزی برای حفظ  
 نظم عمومی مملکت باقی نمی ماند، و این شعبه مهمه  
 از امور مملکتی را باید از محلهای مالیاتی نقد و  
 جنس املاک برداخت ، اصول مالیات های مزبور  
 بسته بوجود امنیت کامل یعنی قوه نظامی مرتب  
 است، و این قوه حاصل میشود مگر بحضور بودن  
 وجه نقد بدون معطلی، بنا براین برترین وجوه برای  
 تدارک قوای نظامی آن وحشی است که برای وصول  
 این قوه نظامی لازم است، و باین جهت سالهاست  
 که عمل وصول مالیات های این مملکت موقوف  
 و باین واسطه قوای نظامی مفقود و امنیت عمومی  
 مملکت روه ناقص است .

آنچه بنظر میرسد . رفع این محذور موحش  
 امکان ندارد مگر بتدارک يك مقدار وجه نقدی که  
 در ظرف دو سه سال برای نگاه داری يك اندازه  
 قوه نظامی مستعد در نقاط ر آشفته مملکت بمصرف  
 برسد تا در تحت آن انتظام عمل وصول مالیات و  
 تأمین مملکت مرتب شده بهجرای مادی بیفتد، امروزه  
 دولت ایران قریب بهفت کروور تومان به بانک  
 شاهنشاهی مقروض است که هر ساله صدی هفت  
 تنزیل آنها باید پردازد، و علاوه بر آن تا پانزده  
 سال صدی چهارم هر ساله باید علاوه بر صدی

هفت بدهند تا قرض مزبور پس از بازده سال  
اصلاً و فرماً پرداخته شده باشد، مبلغی که از این  
بابت هر ساله باید داده شود تقریباً سالی سیصد و  
هفتاد هزار تومان است. پس از مذاکرات مقدماتی  
طولانی بانک شاهنشاهی حاضر شده است که برای  
دولت ایران در لندن استقراض مبلغ دو کروور و  
سیم لیره بتداول بگذارد در صدی پنج منفعت  
سالیانه و صدی سیم وجه استهلاك و صدی دوازده  
و نیم نزول بدون هیچگونه شرعی که خارج از  
معامله رایج باشد، در صورتیکه این قرض را دولت  
ایران بکند باید هر ساله مبلغ شصت و هشت هزار  
و هشتصد و پنجاه لیره از بابت اصل و فرع آن  
پردازد تا پس از چهل و هفت سال اصلاً و فرماً  
آن قرضه مستهلك شود.

این مقدار لیره را که در نرخ بختومان و چهار  
قران تسعیر نایم سیصد و هفتاد و یک هزار و دو سست  
و پنجاه تومان میشود، یعنی همین مبلغی که امروز از  
بابت قرض هفت کرووری بانک میدهم، اما در  
مقابل از وجه استقراض پس از رفع طلب بانک  
تقریباً پنج کروور تومان وجه نقد باقی می ماند که  
برای مصارف لازمه دولت حاضر خواهد بود.

این پنج کروور در این ساعت مصارف فوری  
ندارد و حکم سرمایه را دارد که در ذخیره دولت  
خواهد بود و در آتی میتواند بمصرف برسد.  
پس بمقدمه که ذکر شد هیئت امرهزی دولت  
مصلحت بلکه واجب میداند که این وجه گرفته شود  
و بترتیب معینی در ظرف مدت معینی برای مصارف  
انحصاری تامین مملکت تخصیص شود، مسلم است که  
برای حفظ امنیت در همه جای مملکت قوای  
نظامی و امنیه و نظمی لازم است، ولی در همه  
نقاط لازم نیست مخارج این قوا از وجوه فوق  
العامه داده شود، بلکه در بسیاری از نقاط از  
مایدات مادی مصارف قوای مزبوره حاصل میشود.  
ولی در بعضی از ایالات و ولایات حصول وجوه  
مادی مربوط بوجود قوای نظامی و غیره است.

پس فقط ملاحظه این نقاط را باید کرد و  
سبب بااحتیاجی که در این نقاط موجود است  
طرحی ریخت و قوای لازمه را معین کرد و مخارج  
آنها را تنجید و بی درنگ با ایجاد آنها پرداخت

تا آسایش برای مملکت حاصل شود، برای آنکه  
دست تقریباً باین وجه دراز نشود از طرف  
دولت کمپونی از نمایندگان وزارت خاها تشکیل  
شده است که احتیاجات مذکوره را در تحت نظر  
دقت در آورند و راه اجرای آنها را باینده و  
ضمناً قرار ترتیب تقشش را هم بدهند که بجه قسم  
میتوان اطمینان حاصل کرد که در آتی نقشه که  
برای تامین مملکت کشیده میشود بموقع اجرا  
گذارد. تواند شد.

معلوم است هر نقشه که از کمپون مزبور  
بکشند و تصویب کنند بنظر اعضای مجلس شورای  
ملی خواهد رسید و پس از قبول با حکم و اصلاح  
لازمه بموقع اجرا گذارده میشود، فقط بری لحاظ  
سرمایه فوق الذکر وزارت مالیه پیشنهادیکه مینماید  
این است که از پنج کرور مذکور دو کروور بعنوان  
ذخیره در بانک شاهنشاهی گذارده شود که فقط  
بتصویب مخصوص مجلس شورای ملی کلاً یا جزئاً  
توان از آن چیزی اخذ نمود و ضمناً برای اینکه  
این پول بیکار مانده باشد عجزاً بعنوان سرمایه  
ضرابخانه در کار باشد که فایده هم بان تعاق  
گرفته باشد.

اما تقیه وجه را که سه کروور تقریباً میشود  
وزارت مالیه اصاحاً پیشنهاد می نماید که برع مناسی  
در بانک شاهنشاهی گذارده شود که بانک ماقساط  
معین برای احتیاجات دولت مسترد دارد تا اصل  
و فرع آن تمام شود، یعنی منلا اگر معین شد که  
برای حوائج دولت مالی پنجاه هزار یا شصت هزار  
تومان لازم است بانک هر ماه این مبلغ را بدهد  
تا سه کروور مزبور اصلاً و فرماً تمام شده باشد.

این است پیشنهاد وزارت مالیه از بابت حفظ  
سرمایه، اما ترتیب و تعیین قوای لازمه و مخارج آنها  
و تقشش در اجرای آنها بسته بمذاکرات کمپون  
وزارتخانهها و تصویب مجلس شورای ملی خواهد بود  
( مرتضی قلی صلیح الدوله )

( تصدیق هیئت وزرای سابق )

هیئت وزراء متفق النکله با این پیشنهاد همراه  
مسند و بالخصوص جداً میخواهند که سه کروور  
از این مبلغ را در بانک شاهنشاهی بطور امانت  
گذارد. شود که فقط مبلغ مزبور به مصارف امنیت

ایران برسد و ترتیب مصارف و کنترل آن مبلغ بطوری که از کیسیون منعقده که از مستخدمین داخلی و خارجه که از طرف وزارتخانهها احتساب شده اند مقرر میشود کاملاً منظور و مجری گردد، و البته رای لسیون مرقوم بعد از حصول نتیجه و تصدیق وزرا باصلاح مجلس شورای ملی خواهد رسید و با تصویب مجلس بموقع اجرا گذارده خواهد شد. ۲۹ شهر دی حجة الحرام ایت ایل امضاء وزرا - حسن - محشم السلطنه - مرتضی قلی - اسدالله میرزا -

( حبل المین )

ما هماره مخالف استقراض از روس و انگلیس و بانکهای آلمان نه نجات سود - را کار ما را از پیش می برد بوده است - و هرگز کن نیندیشیم کابینه جدید ازین لایحه استقراض بیرونی فرماید - ولی هرگاه مجبوراً مواد این لایحه تعقیب شود خیلی مناسب خواهد بود که قبل از ورود در این موضوع با والا حضرت نائب السلطنه استشاره نماید -  
 امنیت جنوب یا خدمات تمام السلطنه -  
 قبل از آنکه شروع نموده شود خوب است یک نظر سرسری تاریخ اخیراً فارس بنامیم از چهل سال باین طرف در هراتشاه ایران دیده شده است که فارس مرکز عمده آن بوده و اوقاتی هم که امنیت نامه در کابینه ایران حکم فرما بوده نسیه فارس بی انقلاب دیده نمی شد، امنیت فارس در تاریخ چهل ساله ایران فقط زمانی بوده که یک حاکم فعال مقتدر مطابق العنان برای انجا منصوب می گردید .  
 ماسد حامی فرهاد میرزا و حسام السلطنه و ظل السلطان و امثالشان . و در غالب اعتشاشات فارس همین که ناریت شویم ام السواد را خاندان قوام خواهیم دید و هر حکومتی هم که بشیرار آمد و نائل بامنیت فارس گردید به حین یا تبعید یا از کار انداختن خاندان قوام بود، ظل السلطان تا وقتی که قوام الملک را زیر زنجیر نکشید و از شیراز باصفهانش نیارود نائل بامنیت فارس نشد، و همینکه امیر السلطان مجدداً قوام الملک را بفارس فرستاد آشوب فارس دایمی شد تا دوره حکومت نظام السلطنه . آت مرحوم هم امنیت فارس را در الحراج قوام و پسرانش بطهران داد و باز مجردیکه محمد علی آن خانات

دو و دراز قوام الملک را بشیراز فراراید بعضی اینکه وارد شیراز شد فتنه فارس بالا گرفت و اگر دست بی ( نعمت الله ) را برانگیخته کرده بود دیده میشد که بهایه محمد علی قوام و ایلات حمسه طهران را احاطه و قبل از وقت مجلس را بتوپ بسته بودند . پس از قتل محمد رضا خان قوام الملک آشوبی که فرزندانش در دوشیراز برپا نمودند بزرگترین لکه تاریخی را بروی شیراز و شیرازیان نهاد . قتل حجة الاسلام شهید و ابیح هشتاد ساله و ممتاز و حرق سید عبور شهید سید احمد دشتکی امیر الاسلام و انداختن حسد مبارکش در چه الله اکبر از واقعات است که در تاریخ هیچ یک از ملل و حتی دیانش دیده نمیشود این اقدامات خائنه بپذیرفت مگر وقتی که ظل اساطان قوام الملک کنونی و ناصرالدوله را از ایران اخراج نمود و امنیت فارس را قائم ساخت همینکه محمد علی بدین بارهان نائل شد تلگرافاً قوام زادگان را از ارض با امر برهن فارس داد مجدداً همینکه وارد شیراز شد فتنه و آشوب بالا گرفت و تا امروز یک آن اهالی درس روی امنیت ندیدند در آن دوره احدهم حمصرات آیت الله که برخلاف محمد علی اشاعت شد حجة الاسلام لاری قد مراد یکی عم و بیرق محاممت محمد علی را در جنوب افراشت، دقیق سنجان بخوبی میداند که در آن موقع نازک که ازین سر تا آن سر ایران جز شهرشهر تبریز وادی هموشان بود حریت حجة الاسلام لاری و جنبش عبوران لار تا چه اندازه به عود مشروطیت ایران خدمت نمود . محمد علی میرزا که تنها از جلوگیری تبریز عاجز بود جنبش جنوب بخش بریشان ساخت در آن حین ناصرالدوله داوطلب قلع و قمع هیجان لار گردید . صرف حراز در جنگ های عیدیه و شکستهای بی دربی که از احرار جنوب بی القوام دیدند میبایست طاقت فراراً وارد شیراز شده و خدعه در انجمن آمده قسم در خدمت مشروطیت یاد کرد و همین که اهالی لار و سیمهجت را از این خدعه آوارم دید در برده تهیه توپ و قشون دیده ناگهان به لار تاختن گرفت، کاری کرد که جنگیز نکرده و آتشی افروخت که نمرود یافروخته بود، شرح این واقعه جان گداز بقدری بزرگ و مشهور است که گویا خندان لازم بشرح نباشد همین قدر می توان بجزئیات



فراوان و مصارف بی‌باز دولت شاهزاده طغرالسلطنه را با آن اردوی چنانی به ایالت فارس مرستاد. با اینکه خود شایسته در کابینه امور فارس راتق و فائق بودید چند ماهی پیش نگذشت که ما آن افتضاحات مگر اسباب عریل و حرکت ظفر السلطنه را هم فراهم کردید. در اینموقع کارشان بکام شد یعنی رسماً قوام‌الملک نایب‌الایله و ناصرالدوله رئیس آن اردوی چنانی قرار گرفت.

این نکته قابل دقت است که در این هفت ماه اخیر که بلا مبالغه کابینه امور لشکری و کشوری را خود شایسته بود کاری کردند که کثرت سران‌شان گردیده و مأموران‌شان که سپردن مسئولیت به احد بود آفتی گردید اگر چه جزئیات احوال‌شان برداخته شود کلام بدرازا کشد فقط به این همه اکتفا میشود که هیچ‌چیز (تقول انجمن آتی) شهر شرر و وواج آن به این درجه اعتشاش و انقلاب رسیده بود و دین شهر از این نیست به دولت انگلیس آت بدداشت استقلال شکنانه را به دولت ایران در این امر باش بود و در چنین حالی به حال ملت و دولت معلوم و ضیق صایه لازم به بیان است از تصرف انجمن ملک تشکیل داده که چون ما امید داریم به بیان می توانیم داد و از طرف دیگر برای مواجبت قشون ساحوی فارس فشار بظهران آوردید و در این هفت ماهه که کابینه امور فارس در بد اقتدرشان بود بسیاری مایات وصول نکرده حتی مایات خودشان را هم برداختند علاوه دولت را بدادند چندین حصاره به اجاب مجبور ساختند. و راه تجارت و پست را یکدمه مسدود کردند و همیشه دولت امیدت فارس را از ایشان خواست که کرور و حد سد و پست هزار قشون خواستند. و هجر دینه بد داشت انگلیسان در نا امنی فارس به طهران پیش شد واقعه مجیعت زی عورت عدلیه و قتل و جیلول محله بود را پیش آوردید و شکی که در بیح ساله انقلابات خونین روی ایران بیامده بود در عوام تمدن گذارند و در سنت فارس و فارسین را در طلیان ضرب المثل ساختند. و چون تمام عالم از جزئیات این گنده کاری که برده از روی کارشان برداشت واقفند از بیان

گفت که آن چه بی تقوای در جنوب کردند رحیم خان‌ها در شمال نکردید. از آن بعد که بشیراز آمد و از هر طرف مردم بخون خواری معلومین لار برخوایستند بی شرفه سنگ حایه خارجه را به خود باده و در قوسل حایه روس متحصن و پاهنده و بیرق بی ناموسی را بر دروازه خود کوفت و حیالات مکتوبه وطن فروشی خود و ارباب خویش محمد علی را بر مایان ظاهر ساخت و خود و عیالش در زیر بیری روس تا زمانی نبودند که فتح طهران بدست احرار شده و سردار احمد وزیر داخله گردید و سهام‌الدوله به است فارس رهسپار آمد. ما آن همه خیانت باسلام و احدهم متفقاً که از مقام منبع ریاست روحانی ماسم و رسم در حق بی تقوای صادر گردید نمی داریم بجز خیال سقیم یا اراده صحیح سردار احمد قوت و ساء دوام بی تقوای را صلاح دیده که حایه آمان را چست به میان بست. چنانچه سهام‌الدوله آمان را نمین داده از قوسل حایه روس شان بیرون آورد. مجدد به خدمات دولتیشان و ادار ناصرالدوله بشمار ایالت و قوام‌الملک در مازران کرمان و بلوچستان نامرد گردید.

چون مرصهان بیان اوضاع فارس است از حراب‌فاری هلی قوام‌الملک در کرمان و افروختن آتقی که تاکنون خاموش شده اعراض نموده فقط همین قدر میگویم. خود همسایه و تصرفات بیگانه که تاکنون در بلوچستان ایران و سواحل مکران حکم فرست از شامت فاری های چند ماهه حکومت قوام‌الملک در کرمان بود. از یک طرف بلوچستان را بحال امروزی گذارد و از طرف دیگر راه های عرب و بهارنو در قتل و تاخت و غارت حاک کرمان کردند و مملکت‌ورا که یک قطعه آتش ساخته بود بی حکومت و ایالت گذارده بدون اجازه مرکز بحجاب فارس رهسپار آمد. از آن بعد که سهام‌الدوله بی تقوای را بروی کار آورد بدو اعتشاش و قتل و عارت در حاک فارس دایر و سپس قسمی با سهام‌الدوله هم خیانت نمودند و بزیر کلاهش زدند که تا زنده باشد فراموش نتواند کرد. و با آن افتضاح چنانی از شیرازش بدر کردند و چند ماه حکم‌ران مطلق فارس گردیده کردند آنچه کردند که تاریخ انقلابات

تیر زهر آلود را این ناجوان مردان باستقلال ایران زدند و بالا ترین بهانه را برای دخالت اجانب در فارس فراهم آوردند. در این مدت هفت ماهه قدمی بدوشت شور نماندگان خارجه بر نمی داشتند و یک حصه از اوقات شبانه روزی خود شانرا خلوتاً و جلوتاً در معاشرت آنان صرف می نمودند. مهربانی ها می دادند، دعوتها می کردند، وعده های گرفتند، اقدامات می نمودند، تا شد آنچه شد و دولت ایران را در این موقع نازک به بریشانی های گوناگون و ضیق مالیه انداخته اردوی سیار محراب فارس رهسپار و نظام السلطنه به ایالت شیراز مامزد گردید، چون کلیه کارها هفت قسم بقبضه خودشان باقی بود از روز ورود ایالت بوشهر تا امروز اغتشاشی نبود که نکرند و انقلابی نبود که فراهم می آوردند، در موقعی که نظام السلطنه مشغول امنیت راه بوشهر تا شیراز بود تا این ملوک طوایفی دیرینه را از این شاه راه تجارت عمومی مرتفع سازد و نزدیک بود بواسطه برقراری امنیت از گایسان یادداشت استقلال شکنانه خود را برای همیشه مسترد سازند، متصل شیراز قافله بزرگی را که بیشتر اموال او راجع به رعایای خارجه بود زدند، و در بین راه اصفهان تا شیراز مکرر سرقت های هنگفت خصوصاً از اموال خارجه نمودند، و مزید بریشانی دولت و قوت بهانه جوئی خارجه گردیدند و دقیقه از بدنام نمودن نظام السلطنه و یکار ساختن اقدامات او فروگذار نکردند از یک طرف قشون ساخلوی که تحت امر و ریاست خود شان است بقطع اشجار دور شهر را داشتند و بدست برد دکا کین و دزدی های خانگی و شلیک های بی موقع و شرارت های دیگر وادار کردند تا بلکه انقلابات نانوی در شهر اندازند، از طرف دیگر برای مواجب قشون سرباز را به تحصن و هیاهو وادار ساخته بر انقلابات و اغتشاشات شهر کوشیدند که شاید باین وسایل هم رعب ایالت جدید را از فارسینان زایل و هم اجانب را بفارس دعوت نمایند، و چون سنجیت و جسیت نامه با دریایی حکمران خلیج داشتند با وی هم دست شده تا دریایی از طرف خلیج و خودشان از طرف شیراز ایالت را در میان گرفته کار را بر وی تنگ کرده تا بلکه نگذارند نظام السلطنه وارد شیراز شود و امنیت جنوب قائم

گردد، چنانچه با آن همه زحمت ایالت که در سرکوبی زائر حاضر متحمل شد به مجردیکه از برازجان حرکت کرد دریایی آن افتضاح را در پنج فرسخی بوشهر فراهم و توب و توبیجی دولت را محایه باعی دولت فرستاد و تدارک چنین دیده شده بود که قبل از رسیدن ایالت بشیراز زائر حاضر را فتح مند ساخته بوشهر ناخته قشون یگانه را خواهمخواه در دروازه مملکت وارد سازند، این بود که همت و اقدامات مجدانه ایالت در آن میدان دریایی شکست خورده و سپس عزل گردید و در آخرین ایام معزولی خود هم کاری کرد که سرائر دیرینه خویش را آشکارا ساخت و شرح آن واقعات را البته دیگران نگاشته اند

بی القوام از بدو ورود نظام السلطنه به بوشهر بی دربی می خواستند از کار گزاره گرفته تا آزاده بتوانند در اغتشاشات بکوشند، چون نظام السلطنه از مکنوناتشان واقف بود تمام کار ما را موقوف بر ورود خود می نمود و رفته رفته با امنیت اعراف و واحی فارس می کوشید، بتدابیر عملی و قوای قهاره مملکت طوایفی را از دهنه بوشهر تا شیراز بر انداخته، زائر حاضر احمد خان انکالی و خورشید خان کارجی را سرکوب بسزا نموده بهمان راه آن وضع چنانی با قوه قاهره تحت اطاعت آورده سیمه حات را هم چنانچه مقتضی دید آرام ساخت. همین که از خروج شیراز یعنی کلیه فارس اطمینان یافت و امنیت کامله داد با اطمینان خاطر وارد شیراز شده ام الفساد جنوب یعنی قوام الملک و ناصر الدوله را توأم ب مجرد ورود با منتهای سهوات دستگیر فرمود و فتنه عظیم را که این ناجوان مردان در بوم ورود ایالت پیش بینی کرده بودند خواباید چنانچه بوئوق پیوسته که بی القوام در حین ورود ایالت تدارک دیده بودند که اشراک به بهانه های چند ر قونسل خانه روس و انگلیس ریخته و هر گونه بتوانند اسباب دخالت خارجه را فراهم کنند، ولی تدابیر ایالت و تدارکاتی که قبل از وقت برای حفظ امنیت کرده بود موقع به این اغتشاش کاری نداد تا وقتیکه ایالت وارد و بنیان فساد را دستگیر ساخت

نکته اهمی که در کار میباشد این است که ابو ناجوان مردان و دریایی آنچه تاکنون کرد علاوه بر اتکال خرجیان تکبیه گاهشان بمرکز

بود یعنی مرکزبان این جماعت شرور را آله  
بیشرفت مقاصد خود ساخته بودند. و برای انجام  
مقاصد خویش مل و اروه می زدند و نمانی را  
برقبای خود نسبت داده تقویت خویش و سرکوی  
آنانرا خواستگاری شدند تا حاکم سردارن جنوب  
را مای دولت جلوه داده چند روز بول برای  
سرکوی شان میجوستند.

دامان آنچه می باشد و مند هیدم یک  
دفعه نقشه را رگر دادند و مسک دولت وضع دیگر  
اقتضا کرد.

خلاصه جدیدی قدس قوام تلگرافی  
صحیح یا سقیم اشاعت داده شد و سردار احمد  
از شهرت به آن ها رده بود که چون من  
برای معالجه اراده سفر فرستادان دارم دوست  
شما ها نیز با سفر استه. در هر گستان ملاوت نه  
ودوستی نمی توانم با سردار احمد جای چه خودشان  
می گوید در پورن شده. چنان شهرت دادند  
که مبابی هاگت در پورن به سردار احمد مرض  
داده ایم. ما کار محنت و سقم این معال بدویم  
همین قدر می گویم محنت سال است مملکت ورس  
ماند دریا در تمام بوده و اصلاحات این مملکت  
مدرجه بالا کثرت که بر دیک بود استقلال ایران  
محو گردد و نظام. همه ماحدی وان. مدایر کانی  
در قوا. زمان این مملکت را با درجه امن نموده  
که می توان گفت امروزه همه بر آشوب ورس  
امن ترین نقاط ایران اشهاست. و حرحیان را  
بیز به راه مرتفع. دهه فارس که جایج باشد نیز  
تأییدات نظام سلطه از درون بی نزع شده. هرگاه  
ضهرایان چندی بگذارند بهترین مع برای بری و آسایش  
جنوب فراهم آمده است. ملا باید دید که سران  
تا چه اندازه قدر این زحمات و حدت دی قیمت  
نظام السلطه را خواهند داشت. و چه حکمی در  
ماده این مددین صادر خواهند فرم. در بیان  
آنچه معلوم شود محتمراً یا مشروحاً همیشه خواهد  
داشت.

جبل القدس

آفرین به کیاست و سیاست و بردباری جناب  
نظام السلطه که الحقی در این دوره خدیدی ناستقلال  
وطن محبوب خود نموده که در کمتر از رجال سائره

سراغ دارم بدقت باید. لاجمله کرد که مملکت فارس  
ملکه کابینه جنوب بواسطه فارس در چه حال انقلاب  
بود و امروزه در چه حال است. مسلم است که بانیان  
فساد فارس تبدیل مملکت نمود. و تغییر حالت نمود  
نداده دولتبان هم همان است که بود و مامورین خارجه  
هم بهمان روش دوانی های اولیه اشتغال دارند.  
مسلماً اگر زحمات نظام انحصار و کیاست و سیاست  
او در حکمرانی نمود امروزه اوضاع جنوب وضع  
دیگر بود. چون وضع مرکز تعبیر کرده و کابینه  
وزراء حداً د امنیت مملکت کوشاشد ما را به  
تنبه و تذکر آنان عقائد دیرینه خودمان را در حق  
خاندان قوام تجدید مینمایم

از دوره نصرالین تا تا جنوب عقبه  
ما این بوده که با وجود پایت در از خاندان  
قوام در شیراز امنیت ورس صورت نتواند است.  
چه سال است این خانواده تمام مالشان را بوده  
و کابینه عیادت دولتی و سرقبانی که در این مملکت  
پیش آمده هر اش خیره اشاف بوده و هرگاه  
چیزی با هر اوان زحمت بدوت رسید. است در  
حالت استیصال و مجبوریت آثار بوده است حالا  
چیزی که در عقبه اولیه ما افزوده این است که موقع  
اصروزه جنوب و سیاست خارجی آن تقسیمی استقلال  
مارا تهدید می کند که اگر چندی دیگر این مواد  
فساد رهان رسد و آزادانه در فارس باشد ایران  
به تنها دارای خلیج. فارس نخواهد بود بلکه  
فاتحه کابینه جنوب را باید خواند.

سازش قوامیان و در بیکی با خارجه به چیزی  
است هیچ دی حسی منصف و طلبخواهی  
تواند انکار نماید. مسلم است در این موقع نازک  
اگر ما هم اشتباه کاری در مرکز جاری باشد و با  
وساست حارحیان در حق این حائین ورس و دشمنان  
آزادی ملت بسمع قبول رسد به تنها تمام السلطه  
باید ترك امانت فارس گوید بلکه کابینه حمیدرا هم  
هیچگونه حیثیتی باقی نتواند ماند. و منتظر باید شد  
پیش آمدی را در جنوب که تاریخ ایران مانندش را نشان  
دهد. داد. و ما بخوبی میدانیم که یک مشت اراذل  
و وباش و آله اغراض بیشترت این ناجوان مردان  
پوده و معاش شان هم از طرف آنان می گذشته  
و چندتن از فجار ضحکه بنام نجار در فارس در

سایه دزدیهای این خائنین و انقلابات گوناگون فائده گرفته بجهت آمان قیام و ایالت و مرکز را آسوده نخواهند گذارد ، ولی کابینه جدید راست که حفظ مملکت را مقدم بر استماع این گونه اراجیف بداند و ما رؤسای جماعت مفسدین فارس را آگهی بدهیم که بحقوق اسلامیت و آزادی وطن محبوب سوگند هرگاه دست از اشتباه کاری و امراض شخصی و وطن فروشی و فتنه جوئی بردارند بی ملاحظه قلم برداشته بجهت وقوف خدادیدی تا آنان را برنداریم بزمن نخواهیم گذارد .

در این موقع رؤسای فارس و جنوب را سکه غالب سندات بی تصویری خود را بداره فرستاده اند مخاطب ساخته می گوئیم اینک موقع امتحان و صدق گفتار شما در رسیده طالع از میان رخواسته موقع خدمت به آزادی مملکت رسیده هرگاه خدای بخوایسته شایع اولیه در فارس عود نماید هیچ عذری از شما پذیرفته نخواهد بود نه تنها استقلال وطن را در مخاطره خواهید داشت بلکه بجو ابدی خودتانی اقدام کرده خواهید بود حجت الاسلام آقا سید عبدالحسین سلمه الله و جناب آقا شیخ ذکریا فراموش نفرمائید آنچه را که در اطاعت خود و محافظ کاری تان در استقلال وطن از اوامر دولت و ایالت نوشته کلیه تقصیر را به بی القوام میدادید امروز موقع برای تصدیق اقوال تان رسیده امیدواریم که در امنیت فارس و آسایش اهالی دوات و ایالت را تأیید و به سکون آرامی خودتان بفرمائید و کوشش کنید که دشمن خدای بخوایسته تکذیب اقوال تان را تمایذ چه بجمده در سایه اقدامات ایالت مایه فتنه و دشمن دیرینه امنیت و آزادی مرتفع گردید .

ما وظایف و تکلیفی برای دوات و ایالت در خصوص سلوک با این وطن فروشان تعیین نتوانیم نمود چه مسأله آنان بوظایف و تکالیف مقتضیه خود واقف تر از ما نیستند که هزاران فرسنگ از وطن محبوب خود دور افتاد ایم ، ولی از بیان چند نکته ناچاریم -

اول ملاحظه و مذاقه در احکامی سکه از مقام منبع ریاست روحانی اسلام در حق بی القوام

نباید کرد که احکام شریعت مطهره اندراس پذیر نیست -

(۲) جلا الوطفی آنان به خارجه تواید چند فتنه تواید نمود ، یکی اینکه محمدعلی را دستهای قوی توانند شد ، نانی در مواقع مهمه خارجیات بواسطه ایشان کتب فایده توایند کرد - ثالث انصاف این شجره فساد در فارس نامید عود آنان همین که موقع یابند از شرارت دست بردار نخواهند شد . (۳) فرستادنشان تحت الحفظ بطهران با وضع کنونی مرکز مظلون نیست با این همه جنایات و خیانات تا چندی مقید مانند ، بمجرد ورود در یکی از غسل خدای احزاب سیاسی نسل نظیر نموده از کلیه خیانتها و جنایتها پاک شده اسباب ورود خود را بفارس فراهم خواهند نمود در آن صورت چه پیش خواهد آمد لازم به بیان نیست

### خلیج

مدتی است که مردم خلیج ( یعنی عده از مردم آنحظه ) که تا درجه چشم باز و بصیرت دارند نواقص حکومت خلیج را پیش از آنچه بایست بذریعه جراید مخصوصاً روزنامه مقدسه جبلالتین گوشزد اولیاء امور نموده هر یک نتوانی خواص و ناله مخصوص از پیشگاه مقدس کابینه ما و اعضاء دارالشوراء استدعای اصلاح و حکومت سایر ادارات را نموده اند ، معذالک باکمال تحسر و تاسف دیده میشود که در عرض ایستادگی متبادی هیچ اصلاحی جهت این حصه بزرگ منظور نشده و ابداً ناله های عاجزانه و فریاد های مظلومانه مردم این سامان بگوش کابینه ما و آقایان و کلاه داخل نگردیده ، و هیچ معلوم نیست که در آینده هم اثری بکند یا نه ، و یا آنکه این قطعه تمول خیز خلیج در انصار مبارک کابینه های آتی و و کلاه عظام و قری پیدا نماید یا خیر ؟ پس از مدتی که سه نفر از برای نظمیته بوشهر از طهران آمدند مردم اعتقاد کردند شاید برای سایر ادارات هم مامورین کافی مثل این سه نفر بود ولی همه خواب بود و خیال و تا بحال اثری بطهور نه پیوسته و باوجود کار شکنی ما در بایستی بر سریر ظلم وانی بقرار ماند ، اکنون شرح حال نظمیته



(نظمیه)

ز بدو ورود اجزاء نظمیه بیک حزقی مساعدتیم  
از طرف حکومت محل باید بگردید و اخلال  
آن مهم ترین مقاصد حکمران بوده و هست . مثلاً  
پس از زحمت زیاد که میرا بعد از قحط اعتماد حضرت  
( رئیس نظمیه ) متحمل گردید بعد از مدتی تصدیق  
شهر و ده و وقت دریا سگی ساغر هم شهر را با  
محول نمود . باین قسم که طم شهر با او و کلابر  
سابق هم بر آمده خود مای باشد ( کوسه و ورش  
پس ) اگر چه این از تعویض نظم شهر به نصیب  
کلابر از عهده خود مسلوب و محلول و معزول  
بود با وجود این کار مساج و ما تمکینی در  
مکوجه و برهائی کشت و در امور مداخله  
می نمود

مثلاً پس از آنکه در چهار برج و سطح سد  
که آدم های کلابر بر حاکم مدنی مالبورگری سلبت  
کردند بودند و خود کلابر هم حرمان برداشت  
معدک ایشانرا با همین حال و اعتبارات بشر - بشر  
مختار و مصلق احسان گداوردند

باوجود اینکه در شهر کلابری در محله  
هرار تومان طاب داشت مایشان در باره هرار  
تومان واگذار شد

واقعات دوشنبه سوم ربیع الثانی مکانی کشف سراز  
دویا را نمود و نمود که هر خرابی و مرج و  
مرج در حلبج رور نمود از سر چشمه او بوده .  
راسی وقعه عمر انکیز رور مرور دل هر سنگدلی  
را برفت آورد حکم هر آدمی را براه باره می  
سارد و ناب و وان از برای نمی گذارد . از  
همت بست همت این ناجوان مرد جهان لیکه بر  
دولت ایران گسرد شد و این قدر نام ملت ایران  
را متصح نمود که گمان نیست نام اریبایان را  
توان در شاران آورد . تمسک آن از این قرار است  
( وقعه وحشت انکیز )

سه روز بود که پس از اعلان خراج بواهل  
جمیع سقاما و دعاهای باشاره سری دو امامزاده متحصص  
به آب شهر میآوردند و مسزنی آلات نامر کلابر در  
روزنوق بعضی از سادات امامزاده شهر آمده دکان  
داران را به بستن دکا کین وای داشتند نوب چیان

حسب التعمیرت حکومت باش از سادات مرور تا کید و  
ارام بر استن دکا کین و بلوا می نمودند . نایب الحکومه  
متحصص و محبه دفع اغتشاش ( اگر راست باشد )  
در آت فقه آمد . چون سبب هجران را بر سید  
نویچی های بی حیا دوسه سبلی مودبانه بگوششان  
آشنا نمودند و سماع شان رسانیدند که تازه نایب  
مداحل شان بسته گردید یعنی دوسه رهبری ست  
که نامو فروشی و دلی هیرم و دعال طاید شال  
بگردید . در هر صورت که بود نایب الحکومه تومین  
قوی الا کرا در نظر سارود چند فقره نصیحت  
نمود . و چند تذکیری حبه حلو کبری فقه در آنجا  
مقر داشتند وی چه سود که در این ضمن رئیس نصیب  
با دعایش از اطراف عبور نمودند و دای در برای  
آنها گسرده شده بود نصیب باید و آهوی خطی  
سیور با حق یعنی هر مصطفی حاکم مدنی  
ایران یا حاکم دس و دولت و دشمن مدعی  
و مدت گردید . بخاره ها چون ر ماحرا بر سیدند  
و از تویچی ها سؤال کردند که چرا مردم را ارکار و  
کسی ناری دارند قوری جوانی حر جوب و  
حقاق و عذاره و تنگت بشیدند .

در این بین یک نفر رسمی به حاجی فرقه ای از تویچیها  
هدف گایله گردید ( مدعیها می گویند معاون  
رده ) و همین بگویند ار سنگری بوده که قبلاً از برای  
شهر احرا . نظمیه برام زاد نام توپ بی ساء ناوه  
دوسه می سوس میرا مصطفی حال فرمانده بود . بد  
رحی می گویند که از خود توپ بی های حاسر  
معرضه نمود ) و برای اعمال خود را دید  
ولی رئیس نظمیه و معاون او آت بدر چوب  
و عذاره حورددند که از ناب و توان اقتادند . آن  
تذکیری های رهبری و مامورین نایب الحکومه و پلیس های  
شهری مانام معرفه را حالی و اوس نامردی را  
حسب الامر در ایگی و کلابر ~~مستوفند~~ مگر این  
هر ز ان ها که پاداری نمود .

رئیس و معاون در هر صورت بود با وجود  
آنکه قبلاً نام کوجه هارا بر روی آنها بسته بودند  
و دانند . رئیس محانه آقا سید حسین رئیس بلدی پناهنده  
این معرکه و معاون به اداره نظمیه خود را رسانید  
بد بخت معاون ناکام از روی کمال جوامع مدی چون

جنازه آن قربانی بچاره نمود، او را برداشند و بگورستان بردند ولی بدون مشایمت و رسوم عربانه روی تخته خشک

در عرض ایست سکه در بایسکی بشهر هم آمد توپچی ها ( با ماورین حکمران ) بکار نبودند پس از کشتن معاوی و مسلوب کردن او در عقب رئیس در گوشه و کنار تکاب میکردند همان اسلام فروش در حوا آنها افاده بدو آرفتند بکارگذاری بک لنگه در آنرا زور متقابل برداشته داخل شدند در ایجا کسی را یافتند، اگرچه نزدیک بود که یک از بایس های ساحلوی آب جا را اشتباهاً بشند ولی در هر صورت از آن جا پس از شلیت کثیر مجامع های اجزای ندره شتافتند و چون از در بایسک خدمت توقیف از ارتکاب شایع صادر شده بود مار گشتند

( قوسل عثمانی )

روز سه شنبه قواسول عثمانی با احترامات کامله آن پلیس مقتول را در حضور خود دفن کرد و بیبال و اولادش تسلیت شبان نمود. و تتم در این روز مجلس استنطاق توپچی ها در چهار برج واقع شده، ملخص صورت مجلس ایست.

( صورت مجلس استنطاق )

جناب سعدالسلطان کارگذار که مستنطاق بود از دب الحکومه سؤال کردند که علت این اغتشاش که در حر حضور شما در بوشهر روی داده چه بود و شما بجهت جبهه درب دروازه با توپچی ها مباحثه نمودید، در جواب نایب الحکومه گفت

من در خارج شهر موعود بودم و از برای رفتن به مهانی موعودی از آن جا گذارم افتصاد مردم را دیدم که بعضی عن ملتجی شده التماس میکنند که سبب شوم تا دکان های خود را باز نمایند و من نیز چون برخلاف عادت در این روز دکان ها را بسته دیدم سبب بستن را پرسیدم توپچی ها اظهار نمودند بامر ما بسته اند، و ازاری ها در اینکار محکوم نمایند، و در این ضمن هم من توهین نمودم ولی صرف نظر از آن نموده ده نفر تفنگچی از برای جلوگیری فتنه گذارده مردم را نصیحت نمودم که دکانین خویش را باز نمایند و بکسب خود اشتغال ورزند و خود بصحرا رفته، ( ولی نگفتند که من هم

هم جدا کرده و افتراق بین شان انداخته بودند ) در اداره نشسته در کوجه ها در جستجوی یوسف کم گشته خود تکدوبو و جستجوی نمود، علی الحدس بقونسولخانه انگلیس شفاعت بسته یافت، رو بقونسولخانه عثمانی نمود در آنجا یک از پولیس های عبور او را داخل برد و در جانی پنهان کرد، لکن حمالی سر روی را بتوپیچی ها افشا کرد و آن بی ناموسان خون آشام بدون هیچ ملاحظه بر شهینداری حمله نموده هم بدلات حال مرور ( که اگر دلالت بود احتمال کلی داشت که جنگال این گرگان از بدن آن یوسف مرید وطن خواه لوتاه می ماند ) او را پیدا نمودند، در این حال آن حواس بردل و عبور حرور آن گروه بی ناموس و محافظ رده گفت من قابل شما نیستم و چوشت در محسن میداشتم و حافظم دیگر نیست تسلیمم مرا بشدید و محاکمه نمایند، اگر محرم یافتم بکشیدم خود بسی مرور و دلشاد از این کشته شدن میداشتم.

ولی واضح است که این کلمات در قلوب وحشی های برانگیخته و آدم خواران امروخته و یسوق یافته انوری نمی ماند، آن ناکام را در من انبار از پس آئینه در تیر ماران و نصرب هجده گلوله وی را از پا در آوردند، آب پلیس بدبخت سکه ناستشعاع برخواستند بود و ضمناً با حمال مذکور سر گرم توپاخ بود توام گشتند و رسن بیسای معاوی بسته او را تا دروازه شهر آشان کشان بردند، در عرض راه چه باسرمی ها که نکردند و کدام بی ناموسی بود که مرتکب شدید اسلام فروشی که اولیاد اوادل و سر حلقه او ماش و منبع جمیع خنات و ردائل است همت تیر دیوالور بسر بر هیرت او حالی سکرد غیر از یک زبر جامه و پراهن در برش نگذارند و انگشتش را در حین کشیدن انگشتر هم کنده ساختند، هر کس بدن عرقه بچوشت دیدی واقعه لرب و بلا در نظرس جسم گردیدی، در تمام این مدت حکمران دریاغ و تماشایه راغ مشغول بودند، پس از دو سه ساعت از وقوع این قربانی و این عمل وحشیانه بوشهر آمدند و علامت غضب ایشان که از وقوع این مایله بر وجودشان مستولی شده بود این بود که جواب سلام مردم نمیداد و امر به برداشتن

برخلاف طاعت بسیر و گشت رقیم و وظیفه خود و کار و اداره حکومتی را تماماً در این حال انقلاب بکرامات خود حواله نمودم )

کارگذار - پس چگونه تفکیدی های شما بعد رئیس نظمیہ برداختند

نایب‌الحکومه - آن کسی را که ریاست داشت نه نفر مقرر و از برای حفظ آن - گماشته بود آورده گفت از این شخص پرسید ، چون از او سؤال شد گفت آدم کلانتر مرا برداشت ، چون از آدم کلانتر مؤاخذه شد او نیز گفت کلانتر من فرمود ، و چون از کلانتر پرسش شد گفت چون من رسیدم که فتنه برپا شود تفکیدی‌ها را برداشتم دریایی‌ها را از این انکشاف فرمودند من سه ماهست می‌دام که ایمن‌ها از برای کشتن رئیس و اجزاء نصیبه ریاست و از این اظهار کلانتر بر من واضح گردید که کار اوست و همین فتوای بدون اجراء مجلس را با آن روبرو زبیهای خود ختم فرمودند و رئیس نصیبه را در چهار برج زده خود نکه داشت

این بود حقیقت واقعه و عین حادثه و نامه بدولت و قانون ملت و فتاوی و احکام علماء

( تشریح )

اکنون خوب است قدری تصور نموده به بنیم مقصد است و محرب اداره دولت و پریشان کننده حال ملت که میباشد ؛ و قائل میرزا مصطفی خانبهگشاید که کس است ؟ دریایی است یا کلانتر یا توپچی‌ها ؟

بحکم انصاف هر سه آنها مجرم اند ، اول دریایی تانی کلانتر ثالث توپچی‌ها ، محبه ایشان در صورتی که دریایی ( بموجب اظهار خود شان در مجامع استنطاق ) از سه ماه پیش مسبقاً به دست و پایش های کلانتر بر مخالفت نظمیہ بودند ، چرا جلوگیری فرمودند ؟ در صورتیکه کلانتر اول مخالف نظمیہ و محرك فتنه بوده و هم بر حکومت ثابت گردیده بود که کلانتر تیر بخانه منشی بالیوزگری زده بود تا نظمیہ را بدنام سازد ، چرا او را مجازات فرمودند ؟ آیا حکومت این قدر ضعیف گردیده بود که حتی از یک معیت سقای لات و ورشکسته هم نمیتوانست جلوگیری نماید و نگذازد محسن یابند ؟

کلانتر جوئی آلت دست دریایی و بیک از بی ناموس های شهر بوشهر است از این رو شرم است که او را مخاطب بخطای نایم

توپچی را با علقی ردلالی چه کار و با بلوا و تحریک مردم بر اغتشاش و بدین دکا کین چه سروکار است ، میتوان گفت بدون تحریک بوده اند ؟ چرا در عرض مدت اقامت شان در بوشهر که قریب به سی سال است مرتکب چنین فسادى نشده اند ؟ در کدام نقطه دنیا حکومت مولد فساد ، کی دیده و کی شنیده ( غیر از دریایی ) که حکومت و خلاف دولت متبوعه خود و بر ضد ملت و مذهب ( جز اینکه لامذهب و طاری از آدمیت باشد ) در وقتیکه امنیت حکم تریاق دارد خود دامنه فساد را بالا و آتش اغتشاش را دامن رند ؟ آیا این چنین کسی را میتوان حاکم گفت و نگهبان شهر ؟ پس حائن کیست ؟ محرب دین و آئین و شریک دشمنان دولت غیر از چنین کسی که میباشد .

روز جمعه ۷ شهر حال دریایی سزای آباد رهسپار و شب آن در قونسلگری دولت انگلیس محسن اختیار نمود ، روز پیش که خبر ورود موقرالذوله را به راز چون شنیده بود بزبان خود گفته بود و طهران‌ها از ترس آنکه من اغتشاشی رام بیادازم خبر عزیمت را پس ندادند .

فقط امیدى هست بموقرالذوله که واقع بهترین درمان درد خلیج است و از این به پیش میتواند خود را تسلی داد که احتمال دارد خلیج متدرجاً از یمن توجهات کابینه حالیه اصلاحی بیاید ولی حرف بر سیاست دریایی است که آیا پس از این همه افعال کافراه و اعمال آدمیت کش او سزا خواهد یافت ؟ یا خیر و باوجود وضوح جرایم او باز هم عواقب همسلف درباره او جاری خواهد شد ؟

حبل‌المتین

اگر گفته شود که تصور دریایی باید بکابینه های گذشته است بخطا رفته‌ایم که کردار و رفتار دریایی و بستگی او بخارجیه چیزی بود که قابل‌الانکار باشد ، ما همان وقتیکه رئیس نظمیہ و معاون شهید او وارد بوشهر شدند نوشتیم که محتررب دریایی بلائی بر سر آنان خواهد آورد که هرگز

گراموش نتواند نمود، این حرکت اخیر در بابی مکنونات او را بخوبی آشکارا داشت و شخص او هم از راه الحاق خائف بوده است

جناب موقرالذوله هر قسم بود او را اطینسان داده و این آخرین حرکت ننگینش را هم ستر نموده از قوسل شاه اش بیرون آورده بجانب بحر حرکتش دادند، حالا باید دید که صهران با او چه سلوک خواهند نمود ولی هرگاه وطن فروش حاشی هم مانند دریایی سزا بیاید باید متعجب بود که امثال وی در هر نقطه پیدا شده حقوق ملت و دولت را ضایع سازند، چون ما خود موقرالذوله را می شناسیم که شخصی است با شرف و حسن دوست غیر ناشی و واقف به واقف عصر امیدواریم ازین به بعد نه تنها خرابیهای دریایی اصلاح شود بلکه بتدریج نقائص خلیج مرتفع گردد

تمام طبقات مکرر بخوانند

( اثر خانه يك از مجتهدین نجف اشرف )

( عمره يك )

( مالك الامام فی سلامة الاسلام )

( ویحی من حی عن بینة اهلک من هلك عن بینة )

( بسم الله الرحمن الرحیم )

دین مبین اسلام اگر کسی احاطه بتمام مرایا و احکام مقدسه او داشته باشد و فلسفه او را چنانچه شاید و باید بداند، خواهد فهمید که آن روزیکه این دین شریف جامع بگامه افق تاریک عالم را روشن کرد و از زوایایک این دین حنیف از مشرق علم و دانائی شایع مقدس تابان گردید آن روز معنای عالم رو بترقی گذاشت، و خواهد فهمید که اساس و بنیان ترقیات محبره عالم کنونی همان روز ما دست مهین دستور یزدان و بگامه و خشور آسمانی نوشته شد.

بیانات مزایای اسلامیه و شمردن خواص بسیار آن آیین باک خارج از موضوع ما بوده و خود يك موضوع مهمی داشته و گنجایش این مختصر را ندارد، ولی مطلبی که اینجا قابل ذکر است آنست که علائق و روابطی که ملت ایران و عصر یگانه اسلامیان با پیشوایان و علماء خود در این عصر ترقی دارد و داشته که این مختصر را بنگاریم، نه تنها ملت ایران بلکه نزدیک صد و بیست و کرور شیعه علماء خود را نمایندۀ آنمه دین و بیان

کننده احکام شرع میشناسند، معنی اجتهاد علماء و پیروی کردن همه این چندین گروهها و تبعیت شان بر علماء اعلام یکی از علائق و روابط اسلامیان خصوص ایرانیانست، و این علاقه و مسئله اجتهاد خود يك نکته بزرگی است بسیار مهم و بسی مافق، طوریکه باعتقاد بزرگان و دامایان این عصر این مسئله را سبب احیاء دین اسلام و قیام و برتری اسلامیان می بیندارند، این امر طوری است که اگر علماء و مجتهدین هر عصر سوء اسفمال نکرده و در اخلاق و عادات و اصلاحات راهی را که بشواری آیین اسلام پیش گرفته بودند اینها هم پیش بگیرند و مثل آن بزرگواران با ملت اسلامیة رفتار نمایند گذشته از این شیوع تام در اسلامیت میشود خود اسلامیان راهی از هرگونه آفات اغراض واضمحلال و مضرات حاکمان سوری فحاشی پیدا میدارند، و در هر عصر هر درجه از ترقیاتی که شایسته آن عصر است میتواند برساند، همین نکته بزرگ و سیاست مهم دینی امری است که در میان ملل دیگر عالم متصور نبوده و نیست، الغرض روابط دینی ملت ایران با علماء و پیشوایان خودشان نه یکی دو تا است و حق واقع هم ایستاده علماء حقه اسلام که دارنده اساس شریعت و ما القوام اسلامیت هستند، و تکلیف مسلمین هم بر ایستاده علماء را معلم و محترم شمرده و وجود ایشان را مقدم دانسته و اطاعت آنان را اطاعت خدا و رسول بداند،

اخبار و آثاریه در فضیلت و علو شان علماء وارد است فزون از شمار و احصا است، چنانچه فوت يك هر عالم سلامی را پیشوایان دین مبین علیهم الصلوٰة والسلام تلمه بزرگ فرموده اند و در اثر دیگر و رتبه الانبیا نامیده و در بعضی دیگر رد بر آنها را رد بر ذات مقدس الهی و رد بر خود حضرت حتمی مرتبت است علیهم الصلوٰة والسلام فرموده اند

ولی چیزی که در اینجا گفتنی است و بامر از نقطه نظر اسلامیت فهمید و گفت اینست که بدایم و بفهمیم که مراد از علماء اعلام و حافظین اسلام که باین درجه تسلیم شان و تکریم مرتبت در آثار اسلامیة شده چه کسانی و کدام ذوات هستند، که شارع مقدس آنها را و رتبه انبیا شمرده و حضرت



حجة مشطر علیه صلوة الله الا کبر ایشان را نواب  
عام خود تعیین فرموده اند

حالا لازم است که اول مهمیم و به ندیم که  
وصیة خود سی واطم وحقوق ان حضرت سبب  
امت اسلامیه چه بوده و چه تکلیف داشتند تا  
اینکه وظیفه نواب و ورثه ایشان معین گردد

بدی است که سی و امام عقلاً و شرعاً و  
سابقاً بعد از همه امت محمدی . فصل و  
اشجه در مورد بر سره هایت حرمه است .  
به صورت حقوق و عدل و در دین بر احرام  
احکام عدل و مساوات در همه امور - جماعیه  
داشته شد . و حضرت فاطمه . صلوات الله علیها  
امت داشته تا این . و این را سران سلامت  
استقلال به خود داد . و این را سران سلامت  
امت است و راه و روش فرستاد

معین است حضرت سی و امام محمدی و به قوه  
احرامیه و قضائیه دید چنانچه وجود مقدس حضرت  
مدیات و مؤسس قنوت اسلامیت حضرت حتی  
مریت سلام الله علیه همگامی در همه امور  
داشتند در شاعه سلامت . امت . ایضا . و خدمات  
مایه خود دار بر نه . حکمت . بکباری  
سینه اسلامیت بود . در همه امور چه بازار  
پوسته . حرمان عدل و مساوات . ترم طریق نگاه  
و اتحاد و پیروان خود ترسان . میفرمود . از برای  
و شقان . اخلاق . و رده . و اعراض شخصی  
تغذیر فرموده نوشتن به در تصدیق و تهدید اخلاق  
داشتند . ره ما ملت امام خود را برای تمام امور  
اخلاق بیان میفرمودند . و آنرا بر خود راحت  
و به بدسه را برای آسان امت با اصلاحات امور  
مدت دستور ها میفرمودند و همچنین در غالب  
اجرات خود منصوبی بوده سرداری قوای حربیه  
و ریست امور ملکیه را تکلیف وجود ماری خود  
میدانستند . همیشه با یاران و اصحاب خود در آسایش  
عمه و احبباء اسلام متحمل هراران خدمات بودند  
حق در قضیه حرم خدی با یاران خود دست  
هم داده مثل بی از ایشان مشغول کنند . صدق  
بود . مختصر از هیچگونه مجامده و جایزی برای  
آسایش عموم فرورگذاری نبره و دید

همچنین رئیس مسلمین و امام . صاحب دوقوه

روحان و حسابی بودند . اهتمامیکه بر اصلاحات ملکی  
و ترتیب و تنظیم ولایات و نوشتن دستور و قوانین  
ادارات داشتند . بیشتر از اهتمام . با دورات فرعیه  
بود . چنانچه فقرات هیچ البلاغه خود قانون اساسی  
بوده و شاهد مقال است که برای آن وقت بهترین  
دستوری بود برای تعالی ملت و ترقی دین و مملکت  
رقه مبارز که اوست ذات سیاسی طالبانث و  
پشواهی حقه مسلمانان حضرت مولی المقتبان در حکومت  
طایث اشتر بر همه مرقوم فرموده و تعکیت و طائف  
ادرات نمکت و تفرقه میان قوه احرامیه و قضائیه  
فرموده بر عااست آشکار . اهتمامات آف وجود  
مقدس در مسائل ملت چه مد و چه غیر مسد  
و تسویه ادوات مدیسیه و تصدیق ادوات مایه  
مجامع بان است . چه حسن و عام شیده . میداند  
ولی این مرد بزرگ تاریخی . چنان سالار حکم  
هی که مورخان طای در نسا حدان سرداری و  
و مهارت ادرة حریه وی عمر دارند در حالتیکه  
نه استه ه گوه عمد و نزر بود . و در واقع  
( چنانکه خود حضرت رسول فرموده و در سایر  
احار وارد است ) اگر صرته حیدریه و مهارت  
صدره داتن . و آنچه که او در هست اصلا بود  
و به همین محبت و صیلت صریش را در خدی پیش  
از عنادت تعال فرموده اند .

با این مرام و شرف دارای هیچگونه امتیاز  
با افراد مردم نداشته . در میان مردم مثل یکی  
از آنها معاشرت داشته و ریست میفرمودند . یعنی  
میخواهم و کوم رئیس ره جا و حسابی با پشواهی  
مسلمین مرسم بود . صسته . هیچ وجه ترقی  
با مردم داشته باشد

به دارای لباس مخصوص و به علامت مخصوصه که  
دیگران نداشته باشد بلکه همه وقت بی امتیاز از  
افراد ناس بوده و در میان ایشان آبرزش میفرمود  
و ازینک وید ایشان آکا . میشد . راه یکاکی و مصلحت  
را مینمود و ارهای و زشق اخلاق ہی میفرمود  
یک برده آشکار عرض کنم که بزرگ مسلمانان  
نسبت به پیروان خویش ملاحظه بلندی شان و مقام  
بلندی پشوان خود را نمیکرد در کوچه و بازار  
و همه جا مثل سایر طبقات گشته و اهتمامش را به  
تأمین حیات اسلامیه صرف میداشتند . خانه نشین